

بحارالانوار و دیکسیونر فلسفی

در بهمن ماه ۱۳۷۸، هنگام ریاست جمهوری محمد خاتمی، کنگره‌ای مرکب از ۲۳۰ نفر نماینده از ایران، لبنان، مالزیا، جمهوری آذربایجان، هند، فرانسه و امریکا، به ابتکار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بنام «همایش بزرگداشت علامه محمد باقر مجلسی» در تهران تشکیل شد که هدف آن در نقط افتتاحیه وزیر ارشاد «تجلیل از خدمات علمی و فرهنگی و مذهبی علامه مجلسی و نقش شگرف آن بزرگوار در پیشرفت اندیشه و معارف اسلامی» اعلام شد. همین وزیر توضیح داد که در صورتیکه این علامه اقدام به گردآوری احادیث و روایات ائمه اطهار نمیکرد لطمہ‌ای جبران ناپذیر به جهان تشیع وارد نمیشد، و امروز وظیفه همه ما است که این میراث گرانبهای را قدر بدانیم و شناخت آنرا هرچه بیشتر توسعه دهیم.

احتمالاً با همین برداشت است که اخیراً تدریس بحارالانوار و سایر آثار «علامه بزرگ» از جانب دولت آقای احمدی نژاد جزو برنامه‌های درسی مدارس قرار گرفته و طرح بنیاد بحارالانوار که در آغاز حکومت ولایت فقیه مطرح شده و بعد مسکوت گذاشته شده بود دوباره به بررسی گذاشته شده است.

این آقای مجلسی که در قرن یازدهم هجری یعنی در پایان عصر صفوی میزیست، در کتاب ۲۴ جلدی بحارالانوار خودش که به عربی نوشته شده، و بعداً خود او برگزیده‌هایی از آن را در چند اثر فارسی خویش آورده است، بیش از یک میلیون حدیث گردآوری کرده است که به نوشته خود او همه آنها از «منبع زلال سرچشہ وحی و الهام و از جانب مستقیم ائمه طاهرين» به او رسیده بوده است، و بهمین دلیل است که بیش از چهار قرن است صد و هشتاد هزار روضه خوان و واعظ کشور ما به برکت نقل و روایت آنها نان حلال خورده‌اند و میخورند.

کتاب بحارالانوار تقریباً در همان سالهایی تألیف شد که دیکسیونر فلسفی ولتر در قرن روشنگری اروپا نوشته میشد. بدیهی است در اینجا فرصت آن نیست که حتی یک صد هزارم احادیث این کتاب نقل شوند،

بدین جهت تنها به نقل سه چهار حدیث از آنها به عنوان نمونه اکتفا میکنم و آگاهی بر بقیه آنها را به مراجعه مستقیم خودتان به متن عربی بحوار الانوار یا به خلاصه فارسی آن بنام حلیة المتّقین که توسط شخص مؤلف انجام گرفته است موقول میکنم:^۱

— «در حدیث معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمود که: یا علی، ایستاده بازن خود جماع مکن که این کار کار خرمان است و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رختخواب خود بول کند و در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشتی یا چهار انگشتی باشد، و در زیر درخت میوه‌دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جlad شود، و بر پشت بام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و بدعت گزار باشد، در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد بسا که جادوگر شود، و در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی حاصل شود بسا که لال باشد در عوض در شب دوشنبه جماع بکن که فرزندت حافظ قرآن شود، و در شب سهشنبه جماع کن که فرزندت را شهادت نصیب شود، و در شب پنجشنبه جماع کن که فرزندت حاکمی از حکام شریعت گردد، و همه اینها را از من بیاموز، چنانکه من آنها را از حضرت جبرئیل آموختم»!^۲

— «از حضرت صادق علیه السلام روایت است که خداوند عالم برای رسول الله صلی الله علیه و آله هریسه‌ای از هریسه‌های بهشت را توسط جبرئیل هدیه فرستاد که دانه‌هایش در باغ‌های جنت روئیده بودند و حسوان بهشت آنرا به دست خود عمل آورده بودند. پس رسول اکرم آنرا تناول فرمود و قوت چهل مرد برای مجامعت بر قوت آن حضرت افزوده شد، و این چیزی بود که خداوند میدانست پیغمبرش را با آن بسیار خوشحال خواهد کرد».

۱ - حلیة المتّقین، باب سوم، فصل هفتم.

۲ - همان کتاب، باب چهارم، فصل چهارم.

— «در حديث معتبر دیگر است که حضرت رسول اکرم توصیه فرموده است که دختران باکره بخواهید که دهن‌هاشان خوشبوتر و رحم‌هاشان خنک‌تر و پستانهایشان پرشیرتر است. و منقول است که چون آن حضرت به خواستگاری زنی میفرستادند دستور میفرمودند که گردنش را بوکنند که خوشبو باشد، و قوزک پایش نیز بروگشت باشد»^۱.

— «از حضرت امیرالمؤمنین علی منقول است که فرمود: بخواه زن گندمگون سیاه چشم و میانه بالا و بزرگ سرین را، و اگر او را نخواستی بیا و مهریه‌اش را از من بگیر»^۲.

— «حضرت صادق علیه السلام فرمود: زنها را که نعلین سیاه مپوشید که ذکرتان را سست میکند و چشمتان را ضعیف و در عوض نعلین زرد پوشید که چشم را جلا میدهد و غم را برطرف میسازد، و ذکر را سخت میکند»^۳.

— «حضرت صادق علیه السلام فرمود: میوه ۱۲۰ قسم است و بهتر از همه انار است»^۴ و نیز فرمود «در عالم ۲۱ نوع گل وجود دارد که سید آنها گل مورد است»^۵.

احادیث جعلی احمقانه دیگری به فراوانی در بحار الانوار و مشتقات آن وجود دارند که بسیاری از آنها به عنوان اعظم احادیث جهان تشیع توسط

۱ - همان کتاب، باب پنجم، فصل یازدهم.

۲ - همان کتاب، باب سوم، فصل هشتم.

۳ - طبق تازه‌ترین برآوردهای گیاه‌شناسی، در دنیا بیش از پانصد هزار درخت میوه‌دار وجود دارد (سالنامه Quid سال ۲۰۰۶) و رقم ۱۲۰ میوه که به امام جعفر صادق نسبت داده شده ظاهراً رقم میوه‌هایی است که خود علامه مجلسی در اصفهان میشناخته است.

۴ - براساس همین برآوردها، شمار درختان و بوته‌های گل دار دنیا بیشتر از دو میلیون است. در این مورد نیز رقم ۲۱ گل مورد تذکر امام جعفر صادق رقم گلهایی است که خود ملا باقر مجلسی بر وجودشان اطلاع داشته است.

حضرات آیات عظمی احمد جنتی و علی مشکینی، رؤسای شورای نگهبان و مجلس خبرگان در کتاب مشترک آن دو بنام سخنان چهارده معصوم عیناً نقل شده‌اند و حدیث زیر نمونه‌ای از آنها است:

— «از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در حدیث معتبر منقول است که دوازده صنف حیوانند که از جانب خداوند مسخ شده‌اند. از جمله فیل پادشاهی بود که زنا و لواطه میکرد، و خرس عرب بادیه‌نشینی بود که دیوی میکرد، و خرگوش زنی بود که هم به شوهرش خیانت میکرد و هم غسل حیض و جنابت را بجا نمی‌آورد. و شب پره کسی بود که خرمای مردم را میدزدید، و سوسمار و چلپاسه دو گروه بودند از بنی اسرائیل که در زمان حضرت موسی به مائدۀ آسمانی ایمان نیاوردند و مسخ شدند، پس گروهی از ایشان به دریا رفتند و گروه دیگر به صحراء عقرب مرد سخن‌چینی بود، و زنبور قصابی بود که از ترازو دزدی میکرد، و کرگدن مردی بود که مردم با او عمل قبیح میکردند».

— در تابستان ۱۹۷۸، ریچارد کاتم در پاریس با آیت‌الله خمینی ملاقات کرد. و هم او اولین کسی بود که دریافت منزل دکتر بهشتی ستد. اصلی تهیه و توزیع نوارهای نطقهای خمینی و سایر برنامه‌زیبایان انقلاب در ایران است. تامس ریکس استاد دانشگاه جرج تاون با صادق قطبزاده تماسهای منظم داشت. هنری پرکت شخصاً از دوستان نزدیک مهدی حائری یکی از استادان دروس اسلامی دانشگاه جرج تاون بود که با کمیته اطلاعاتی سنا از طریق یک عضو وزارت امور خارجه امریکا همکاری میکرد. آندرو یانگ رئیس هیئت نمایندگی امریکا در سازمان ملل متحد بیش از همه شیفته و فریفته خمینی بود. طی یک سخنرانی در واشنگتن اظهار داشت که نهضت خمینی تحت تأثیر مستقیم آموزشی امریکا بوجود آمده است و از آن نیز الهام میگیرد، و در زمینه عملی توسط بیست و پنج تا پنجاه هزار دانشجویی اداره میشود که از زمان تحصیل در دانشگاهها و دیگر مراکز آموزش عالی این کشور اعتقاد کامل به موازین دموکراسی امریکایی پیدا کرده‌اند. بر این اساس ما نباید از اینکه اینها شروع به درک قدرت خود کرده‌اند بیمی به دل راه دهیم. چیزی که میتوانم با اطمینان بگویم این است که هدفها و آرمانهای انقلاب ایران اصالتاً همان آرمانها و هدفهای حقوق بشر است، و وقتیکه این انقلاب درست جا بیفتند همه جهانیان درخواهند یافتد. که خمینی از زمرة قدیسین عصر ما بوده است.

پروفسور ریچارد کاتم استاد دانشگاه پیتسبرگ و مشاور مورد احترام وزارت امور خارجه امریکا که متخصص «ایدئولوژی اسلامی» شناخته شده بود، منظماً اطمینان میداد که آیت‌الله خمینی بهیچوجه خواستار حکومت نیست و در بازگشت به ایران به حجره درس خودش باز خواهد گشت. جمهوری اسلامی الزاماً و ماهیتاً نه یک رژیم ضد امریکایی است و نه یک رژیم متعصب مذهبی. بالعکس تمام قرائی نشان میدهد که این رژیم در جریان تبدیل به یک نظام قانونی کاملاً دموکراتیک است و میتواند سرمشقي

از یک حکومت کاملاً انسانی، که خود ما بدان احتیاج می‌بریم، به تمام کشورهای جهان سوم عرضه بدارد.

پروفیسر ریچارد فالک در شماره بهار ۱۹۷۹ مجله «سیاست خارجی» به خوانندگان خود اطمینان داد که اطرافیان خمینی همگی متعهد به مبارزه با تمام اشکال اختناق و سرکوب هستند، و اصولاً قانون اساسی خمینی توسط میانه روهایی تهیه شده است که شدیداً به حقوق افراد و حقوق اقلیت‌ها اعتقاد دارند. آقای فالک این اطمینان را نیز میداد که اصولاً عدالت اجتماعی در ذات جمهوری اسلامی نهفته است و خمینی درست مشابه آن حقوق‌دانان روشنگری عمل می‌کند که در خود ایالات متحده برداشتهای تازه و بسیار متوجه‌تری را از مسائل قضائی ارائه می‌کند.^۱

۱- نقل از کتاب Michel A. Debacle : The American Failure in Iran تألیف مشترک William H. Lewis و چاپ نیویورک، ۱۹۸۱

فاسدترین و منزه‌ترین کشورها

در تازه‌ترین گزارش از گزارش‌هایی که در دسامبر هر سال توسط مؤسسه آمارگیری Interprocess Communication براساس اطلاعات گردآوری شده از منابع رسمی و خبری بین‌المللی و گزارش‌های تهیه شده خصوصی منتشر می‌شود، فهرستی از ده کشور که کمترین حد فساد مالی را در میان ۱۹۲ کشور جهان دارند، و از ده کشور دیگری که دارای بیشترین حد فساد مالی هستند ارائه شده است. ده کشوری که در حال حاضر منزه‌ترین کشورهای جهان را تشکیل میدهند به ترتیب عبارتند از: فنلاند، زلندنو، دانمارک، ایسلند، سوئد، سوئیس، نروژ، هلند، استرالیا و سنگاپور. و ده کشوری که در مقابل آلوده‌ترین کشورها شناخته شده‌اند به ترتیب عبارتند از: بنگلادش، نیجریه، هائیتی، کنگو، اندونزی، پاکستان، آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان. در باره ایران این فهرست ساکت مانده است، زیرا اطلاعات لازم از جانب دولت این کشور در اختیار مؤسسه آمارگیری گذاشته نشده و تسهیلاتی نیز در این زمینه برایش فراهم نشده است. آنچه مسلم است این است که در این آمار، هفت کشور از آلوده‌ترین کشورهای جهان به فساد مالی، کشورهای مسلمان هستند، و در مقابل نه کشور از ده کشوری که کمترین حد فساد را دارند کشورهای مسیحی، که از دیدگاه فرضیه پردازان تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالحرب، میباید دیز یا زود بدست مسلمانان به راه رستگاری رهبری شوند.

وضع آن کشورهای مسلمانی هم که بیرون از ردیف ده گانه قرار دارند از هیچیک از اینها بهتر نیست. در الجزایر، حق و حسابهای دریافتی ده ساله اخیر از جانب مسئولان عقد قراردادهای دولتی ۲۶ میلیارد دلار است. در مالی، موسی ترائوره رئیس جمهوری پیشین تمامی دو میلیارد دلار وام دریافتی کشورش از مراکز پول بین‌المللی را به حساب خود منظور داشته است. در موریتانی، نیجر، گینه ۱۰ تا ۱۵ درصد از رشوه‌های دریافتی بابت انعقاد قراردادها مستقیماً به بانکهای اروپایی فرستاده شده‌اند.

حتی در جمهوری در حال تشکیل فلسطین که مردم آن بر اثر سرکوبگریهای چندین ساله در پائین‌ترین سطح زندگی قرار گرفته‌اند، طبق گزارشی که اخیراً به دستور خود رئیس جمهوری (محمد عباس) توسط دادستان از نحوه مصرف چند میلیارد دلار کمک مالی بین‌المللی تهیه شد ۷۰ میلیون دلار از صندوق حکومت خودمختار فلسطین برداشت شده است بی‌آنکه کمترین اطلاعی از نحوه مصرف آن در دست باشد.

در جمهوری اسلامی ایران، ارقامی که در سالهای اخیر بصورت رسمی انتشار یافته‌اند، از بزرگترین حد سوء استفاده، در ابعادی جهانی، در سازمانهای دولتی یا بنیادهای «خیریه - مذهبی» حکایت می‌کنند. رقم یکی از این سوء استفاده‌ها در بنیاد مستضعفان به تنها ۲۲ میلیارد تومان است و سوء استفاده مشابهی به مبلغ ۱۸۰ میلیون دلار در شرکت دخانیات نشریه معتبر لومند دیپلماتیک گزارش مستندی از ۱۰ میلیارد دلار ارز را منتشر کرده است که به حسابهای مخصوص ملاهای سرشناس ایران به خارج انتقال یافته‌اند، و تصریح می‌کند که این رقم غیر از مبالغی است که در سوئیس و آلمان و لوکزامبورگ و مناکو به حسابهای خصوصی مقامات عالیرتبه جمهوری اسلامی واریز شده است.

صاحبنظری سرشناس، در بررسی جامعی بنا عنوان «سیاست زمین سوخته» در کیهان چاپ لندن نوشته است: «ایران را دارند به جایی میرسانند که دیگر کاری برایش نمیتوان کرد»، و تصویری کلی از واقعیتهاي موجود اين کشور را كه سی سال پيش در آمارهاي رسمي سازمان ملل متعدد دهمين کشور مع oltre جهان بشمار ميرفت و امرزوze به مقام صد و هفتمين آن پايin آمده است چنین ارائه كرده است: ۲۰ ميليون نفر در مرز فقر يا در زير اين مرز، ۴ ميليون نفر معتاد، ۱۴ ميليون نفر بيمار روانی، ۳۰۰ هزار زن تن فروش، ۶۰۰ هزار کودک کارگر، ۸ ميليون نفر بيسواد، يك ميليون و نيم نفر محروم از تحصيل، ۱۸۰ هزار نفر فراری در سال با احتساب ۱۴۰۰ ميليارد تومان (رقمی با ۱۱ صفر) زيان اين فرار مغزاها، سن متوسط فحشا ۱۴ سال، سن متوسط برهكاری ۱۰ سال، سن متوسط اعتیاد ۱۳ سال.

يك دانشجوی پیشین خط امام و از گروگان گیران دیپلماتهاي امریکائی بنام عبدی که در چرخشهاي سه دهه گذشته اکنون به بي اعتقادی كامل رسیده است، در وبلاگ خود متذکر ميشود که کار درست از نظر اجرای يك برنامه ريزی طرح شده دقیق کاري است که توسط احمدی نژاد، در جريان انجام است، زира کشور دارد به جایی میرسد که دیگر کاري برای آن نمیتوان کرد.

ناشایسته سالاری دستگاه حکومتی با سطح فکر و دانشی که از چنین خاستگاهی انتظار میتوان داشت، کسانی را به میدان آورده است که تنها صلاحیت اکثریتشان بستگی نزدیک به رئیس جمهوری و تملق‌گویی از او است، و خود پیدا است که این جماعت نه میخواهد و نه میتواند در اندیشه آینده ایران باشد. پر کردن چیزها، به کار گماشتن دوستان و نزدیکان و بر باد دادن گنج بادآور درآمدهای نفتی به منظورهای کوتاه‌مدت و عوام‌ریبانه، بزرگترین دستاوردهای ساله گذشته آنان بوده است، و هنوز آسیب‌های بزرگتری در آستین دارند، زира که اگر زمان بیابند زمین سوختهای برای

جانشینان خود خواهند گذاشت: پائین آوردن سطح آموزشی، پر کردن ساعت‌های درسی با یاوه‌های حوزه و گذاشتن آخوند حزب‌الله‌ی در مقام رئیس دانشگاه، پاکسازی گسترده استادان، تاراندن روشنفکران و واداشتنشان به گریز از ایران از طریق هشدار بدانان که ایران جای شما نیست برنامه حکومت برای بستن دهن هر ایرانی است. با اینهمه در پنهان اقتصاد است که ضربه اساسی وارد می‌شود، زیرا سیاستهای جمهوری اسلامی که اقتصاد را در چهارچوب تنگ حجره و دلالی و بند و بستان می‌بیند و بجای یک اقتصاد تولیدی بر خرج کردن ناسالم و غیرمنصفانه درآمد نفتی تکیه دارد در جریان آن است که تا جایی که بتوان یک جامعه رانت‌خوار و دولت روزی‌رسان بوجود آورد پیش بردش شود. یک آمار از وزیر کار خبر از بیکار شدن ۳۲۰ هزار کارگر در ششماهه گذشته میدهد و از شمار بیکاران که به چهار میلیون و نیم نفر رسیده است، و این هنوز اول کار است.

در امر خصوصی‌سازی که در جریان است، میتوان کارخانه‌ها را به بهای مناسب به تزدیکان و خودی‌های دست اول فروخت و به پول نقد رسید، آنگاه به دلیل منطقی عدم سودآوری آنها را تعطیل کرد و زمین‌هارا با سودهای افسانه‌ای به فروش رسانید و پول‌ها را در جاهای مطمئن‌تری مانند دوبی و چین سرمایه‌گذاری کرد. کارگران بیکار هم دیگر توان اعتصاب نخواهند داشت و به صف دراز «نفرین شدگان» خواهند پیوست.

رقم مالی طرحهای عمرانی که در حکومت احمدی‌نژاد بی‌مناقشه و تشریفات به سپاه پاسداران داده شده به ۷ میلیارد دلار میرسد. در همین حال ۲۹ انجمن و شرکت پیمانکاری و ساختمانی خصوصی که بیش از ۵۵ هزار شرکت ساختمانی را در سطح کشور زیر پوشش دارند در نامه‌ای به رؤسای سه قوه حکومتی شکایت کرده‌اند که بخش خصوصی در صنعت ساختمان در حال ورشکستگی است و نویسنده‌گان نامه البته میدانند که این درست نتیجه‌ای است که گروه فرمانروای تازه انتظار دارد. صد هزار میلیارد تومان (رقمی با ۱۳ صفر) طرح «خصوصی‌سازی» کنونی، همه آن دارایی‌های هنکفت مالی را نیز شامل نمی‌شود.

۷ میلیون پرونده قضایی برای ۷۰ میلیون نفر جمعیت

آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه ایران، در برنامه رادیو تلویزیونی «ارتباط زنده تصویری» بر این واقعیت تأکید گذاشته است که در حال حاضر در کشور ایران با حدود ۷۰ میلیون نفر جمعیت، بیشتر از ۷ میلیون پرونده در دستگاههای قضائی مورد بررسی قرار دارد، و چنین رقم جرم و جنایت گسترده‌ای در هیچ کشور دیگر جهان نظیر ندارد.

وی با اشاره به اینکه چگونه ممکن است از هر ده نفر یکنفر در کشور دستخوش اختلاف باشد، اظهارنظر کرده است که بسیاری از این اختلافات ریشه در مسائل اجتماعی و اقتصادی و مقررات و دستورالعمل‌های سازمانهای دولتی و بانک‌ها و بیمه کشور دارند که باید از پایه اصلاح شود. وی افزوده است که در کشورهای دیگر حل مسائل بانکی و بیمه و ثبت و منابع طبیعی و شهرداری‌ها و امثال آن از طریق دادگاهها انجام نمی‌شود و فی‌المثل در آنها موضوع چک بی‌ محل یا جعل سند مفهوم ندارد، زیرا سیستم پیشرفت‌های بانکی و بیمه‌ای اصولاً اجازه این امور را نمیدهد تا افراد در پیامد آنها وادر به مراجعه به دادگاه شوند. به عنوان مثال، با تأکید بر استفاده از فناوری و تجربیات کشورهای پیشرفته میتوان گفت: در یک پرونده زمین در تهران در حال حاضر ۴,۰۰۰ نفر شاکی وجود دارد، زیرا ابتدا زمین توسط سازمانی دولتی واگذار شده، سپس همان زمین توسط سازمان دولتی دیگری ملی اعلام شده است و این نکته به وضوح مشخص می‌کند که در نحوه واگذاری و نحوه تعییر کاربری اشکال اساسی در کار است که اگر نبود چهار هزار پرونده به دستگاه قضائی تحمیل نمی‌شد.

شاید لازم به یادآوری باشد که در همین سال جاری، دولت ایتالیا در کشوری که آن نیز درست مانند ایران ۷۰ میلیون نفر جمعیت دارد، اعلام کرده است که سیستم قضائی آن در حال حاضر ۵۴ هزار پرونده در دست رسیدگی دارد که میباید هرچه زودتر تکلیف آنها معلوم شود، و مقایسه‌ای میان ۵۴,۰۰۰ پرونده در ایتالیا و ۷ میلیون پرونده در ایران، میتواند نشان دهد که برای پیشرفتگی واقعی داشتن بمب اتمی آن اندازه ضروری نیست که برخورداری از حقوق بشر ضروری است.

بخش چهارم

بن لادنیسم و خمینیسم

mafia-hai-mazhabi-hezareh-som

آشته بازار «ولایت مطلقه فقیه»

آنچه در این روزها در ایران میگذرد، بیش از هر زمان دیگر منعکس کننده آشته بازاری است که کشور ما در مقام کشور خاص امام زمان با آن دست به گریبان است. در این آشته بازار از هر سو صدایی بر میخیزد که غالباً با هیج منطق ولو بجهه گانهای هم همراه نیست. هر آخوندی که به دلخواه خود از طلبگی به آیت‌الله‌ی رضیده است بنام بیضه‌داری دین سخنانی میگوید که کودک دبستانی امروز نیز از سخافت آن منتعجب میشود و جالب است که هر قدر عمامه بیضه‌داران بزرگتر باشد سخافت این سخنان بیشتر است، زیرا نسل جوانتر این آخوندان خواه ناخواه تماس نزدیکتری با واقعیتهای جهانی دارد که وسائل ارتباطی دنیای امروز در دسترس او میگذارند. آیت‌الله‌هایی که در مقامات کلیدی رژیم نشسته‌اند غالباً چون آن اصحاب کهف عمل میکنند که فاصله زمانی قرن بیست و یکم را با عهد شاه اسماعیل و قریباش‌ها و شیخ‌المحدثین‌های او و جانشینانش عوضی گرفته‌اند و متأسفانه همین‌ها هستند که چماق‌های بسیجیان و کارگردانی «مقام معظم رهبری» و میلاردهای بادآورده نفتی را پشتوانه خود دارند. برای اینکه نمونه‌ای از این کلاف سردرگم را در اختیار داشته باشید به فهرست فشرده‌ای از آنچه تنها در دو ماهه شهریور و مهر گذشته در کشور ما گذشته است توجه کنید:

• آیت‌الله علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان، در مراسم گشایش شانزدهمین دوره این مجلس: «عید نوروز سرشار از کثافتکاری است و اصولاً تاریخ شمسی تاریخ چرندی است، در صورتیکه تاریخ قمری سرشار از رحمت الهی و روزهای شریف و هفته‌های متبرک و ماههای پرفضل است که یکی از آنها را در سال شمسی پیدا نمیکنید. تمام دارائی سال شمسی همین نوروز است که غرق کثافت است».

• همین آیت‌الله در خطبه نماز جمعه خود در تهران: «شیطان در جهنم برای پیروان خودش سخنرانی خواهد کرد، همانطور که پیامبر اسلام نیز در جهان آخرت سخنرانی مبوسطی خواهند داشت که متعاقب آن حضرت ابراهیم خلیل‌الله و بعد از او حضرت علی این ابیطالب نیز سخنرانی خواهند کرد».

• آیت‌الله دری نجف‌آبادی دادستان کل جمهوری اسلامی، رئیس پیشین دیوانعالی کشور و وزیر پیشین وزارت اطلاعات و امنیت: «منتظر

ریشه کن کردن بلای اعتیاد نزد جوانان، برای حضرت ابوالفضل گوسفند نذر کنید».

• آیت‌الله مصباح یزدی در جمع گروهی از فعالان سیاسی، ۷ مهر ۱۳۸۵: «اگر از صدر اسلام تاکنون فقیهی را پیدا کنید که گفته باشد ولی فقیه مشروعیت خود را از رأی مردم میگیرد من تمام دارایی خودم را به او میخشم. من پنجاه شصت سال در این مسئله ریش سفید کرده‌ام، و اگر امروز در این باره سکوت کنم فردای قیامت خدا جلوی مرا میگیرد و میگوید تو که شصت سال نان امام زمان را خوردی چرا سکوت کردی؟»

• فرید براتی رئیس ستاد سازماندهای بیماران مزمن روانی: «آخرین تحقیقات نشان داده‌اند که دست کم ۰٪۲۱ کل جمعیت ایران به نوعی مشکلات روانی دچارند. رئیس جامعه پژوهشکان متخصص ایرانی در همین باره توضیح میدهد که در گذشته بیماریها یا سکته‌های قلبی غالباً در نزد افراد بالاتر از پنجاه سال مشاهده میشد، اما امروزه سن ابتلاء بدین بیماریها به بیست و پنج سال کاهش یافته است، بطوریکه هم‌اکنون بسیاری از جوانان ما به علت بیماریهای قلبی در CCU بستری هستند، و عامل این امر نگرانی و اضطراب مزمن آنها است.»

• احمد توکلی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۹ مهرماه ۱۳۸۵ مجلس: «با توجه به اینکه دولت خواستار اختصاص ۳.۵ میلیارد دلار برای وارد کردن بترین شده است، باید حساب کنیم که اگر این رویه ادامه یابد در دو سال آینده که سالهای انتخابات است حدود ۳۰ میلیارد دلار برای واردات خرج روی دست مردم خواهیم گذاشت.»

• محمود احمدی نژاد در مصاحبه با روزنامه امریکایی واشنگتن پست (۲۴ سپتامبر ۲۰۰۶): «اگر امریکا دست از برنامه تغییر رژیم در ایران بردارد، مذاکره در باره کلیه مسائل دیگر برای ما ممکن خواهد بود.»

• مرکز بین‌المللی بررسی در باره سرمایه‌گذاری‌ها: از جمع ۹۰۰ میلیارد دلار که در حال حاضر در سطح جهانی در کشورهای مختلف سرمایه‌گذاری شده است، ایران با تنها ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری

خارجی در این کشور، در میان ۱۴۰ کشور مورد بررسی مقام صد و سی و چهارمین را در سال جاری داشته است.

• زین الدین زیدان کاپیتان تیم فوتبال فرانسه که بمناسبت ضربت زدن به حریف فوتبالیست ایتالیایی خود از بازی محروم شده بود، در مصاحبه با تلویزیون فرانسه توضیح داد که انگیزه او فحش ناموسی فوتبالیست ایتالیایی به خواهر او بوده است. ولی این توضیح نه مورد پسند مقامات مذهبی جمهوری اسلامی قرار گرفته است و نه مورد پسند نمایندگان مجلس شورای اسلامی، زیرا از یکطرف علامه الدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس او را در این مورد مدافع ناموس کلیه زنان مسلمان دانسته است و از طرف دیگر امام جمعه کرمان ضمن مهدو الردم شناختن فوتبالیست ایتالیایی در خطبه نماز جمعه خود گفته است که ضربه استشهادی زین الدین زیدان به آن مرد خائن ایتالیایی در واقع دفاع از حیثیت حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و تشیع علوی بوده است و زین الدین زیدان قهرمان دفاع از امامت و ولایت علی و زهرا و مبارز راه ظهور حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.

لازم به تذکر است که زیدان که اصلاً الجزایری است، مثل سایر هموطنان خود پیرو خالص تسنن است و هیچ وقت سر و کاری با تشیع اثنی عشری و فاطمه زهرا و امام زمان نداشته است.

• به گزارش روزنامه اطلاعات بین‌المللی چاپ لندن (۲۱ تیر ۱۳۸۱) سازمان میراث فرهنگی کشور خانه شخصی دکتر محمد مصدق را به عنوان اثر ملی به ثبت رسانیده است. همچنین مقبره دکتر مصدق در احمدآباد به دستور محمود احمدی نژاد بازسازی شده و به عنوان میراث فرهنگی به ثبت رسیده است.

این بزرگداشت در مورد کسی صورت نمی‌گیرد که آیت‌الله خمینی در سخنرانی شدیداللحن خود در ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ در ارتباط با مخالفت مهندس بازرگان نخست وزیر و جبهه ملی با لایحه قصاص او، دکتر مصدق را دشمن اسلام و محارب با خدا نامیده و گفته بود: «معنی این لایحه این است که ایها الناس

بیائید در مقابل قرآن قیام کنید البته من از جبهه ملی غیر از این هم توقع نداشتم، زیرا این مصدق که اینها به وجودش فخر می‌کنند اصلاً مسلمان نبود و اگر مانده بود به اسلام سپلی می‌زد. این جبهه ملی‌ها هم تفاله‌های جمعیت او هستند».

در شرایطی که کمترین تخلف از گفته‌های «امام راحل» جرمی شایسته زندان و گاه اعدام تلقی می‌شود، معلوم نیست آقای احمدی نژاد که ندانسته مرتكب این جرم شده است باید از گناهش توبه کند یا آنچه را که به ثبت رسانیده است پس بگیرد.

• حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی ۱۵ شهریور ۱۳۸۵ (۶ سپتامبر ۲۰۰۶) مجلس، با اشاره به جشن‌های نیمه شعبان (سالروز تولد امام زمان): «نه علم، نه دمکراسی و نه آزادی که امروزه در غرب بجای خدا نشسته‌اند، هیچکدام توانایی اداره جهان را ندارند، زیرا درمان دردهای جهان دین و دینداری است، و کلید دینداری که باید اساس اداره جهان قرار گیرد اعتقاد به مهدویت است».^۱

۱ - دو توضیح لازم شرعی و غیرشرعی:
آقای رئیس قوه مقننه، با همه مقامی که در نظام حکومتی ولایت فقیه دارد، یا واقعاً نمیداند و یا عمدتاً تجاهل می‌کنند که اعتقاد به مهدویت در سرتاسر جامعه اسلامی امروز جهان منحصر به مشتبی شیعه اثنی عشری است که بیشتر از دویست میلیون نفر از بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر مسلمان و پنج میلیارد نفر نامسلمان جهان را شامل نمی‌شوند، و معنی این واقعیت این است که اگر حق با این دویست میلیون نفر باشد، ۶ میلیارد نفر دیگر از مردم جهان مادر گمراهی بسر می‌برند، و چنین دنیای «عوضی» فقط به درد نظام ولایت فقیه و قوه مقننه آن می‌خورد.

واقعیت دیگری که آقای رئیس قوه مقننه می‌باید دانسته باشد - و ظاهراً میداند - این است که در دنیای پیشرفته امروز، علم و دمکراسی و آزادی هیچکدام در جای خدا نشسته‌اند، بلکه هر کدام از آنها در جای خودشان نشسته‌اند و خدا را نیز در جایگاه خودش گذاشته و مزاحمش نشده‌اند. صدها میلیون نفر مسیحی جهان، هم اعتقاد خود را به خدا حفظ کرده‌اند، هم در موارد معین به کلیساها خود می‌بروند و هم در اجتماعاتی تغیر آنچه پاپ ژان پل دوم به مناسبیهای مختلف تشکیل میداد، در ابعاد چند میلیون نفری شرکت می‌کنند - و غالباً این شرکت کنندگان جوانان تحصیل کرده‌ای هستند که کسی آنها را با اتوبوس برای برگزاری نماز جمعه به دانشگاهها نمی‌برد، یا کارگرانی که با کامیون برای تظاهرات «داوطلبانه» به میتینگ‌ها فرستاده نمی‌شوند.

• آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارش و خانواده‌های شهدا و معلولین استان گیلان: «از حضرت امام باقر روایت است که علم و دانش مرتباً در درون قلب حضرت مهدی صاحب‌الزمان رشد می‌کند، همانطور که گیاهان در بهترین شرایط ممکن رشد می‌کنند. با توجه به احادیث معلوم می‌شود که برنامه حضرت امام زمان قیام تکنولژی است و در این زمینه سلاح‌هایی در اختیار آن بزرگوار است که تاکنون به فکر هیچ انسانی نرسیده است».^۱

• روزنامه اطلاعات بین‌المللی که به طور روزانه به دو زبان فارسی و انگلیس در اروپا و امریکا و خاور دور منتشر می‌شود، در شماره ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۶ (۲۲ شهریور ۱۳۸۵) خود زیر عنوان «جشن میلاد منجی عالم بشریت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در مرکز اسلامی هامبورگ» مینویسد: «هم‌مان با ایام عید بزرگ نیمه شعبان و میلاد پروفیوگ یگانه

۱ - دو توضیح لازم شرعی؛ توضیح نخست اینکه نه تنها حضرت امام محمد باقر چنین مطلبی را اظهار نداشته است، بلکه هیچیک از امام‌های یازده‌گانه قبل از امام دوازدهم، و طبعاً خود پیامبر اسلام نیز مطلقاً مطلبی را که حاکی از ظهور آینده امامی بنام امام غائب باشد بیان نکرده‌اند و تمامی احادیثی که در این باره از ایشان روایت شده است مربوط به دوران ابو‌عقر کلینی در کتاب کافی او است که سرمشقی برای محدثان بعدی شده است و سابقه‌ای برای آنها در هیچیک از کتب حدیث تألیف شده در اسه قرن اول هجری نمیتوان یافت.

توضیح دوم اینکه از زمان خود امام غایب تا به امروز، کلیه روایات مندرجه در کتابهای حدیث جهان تشیع، از کتب اربعه اصلی گرفته تا جلد سیزدهم بحار الانوار مجلسی، حاکی از این بوده‌اند که آن حضرت با ۱۱۳ شمشیری که برای همراهانشان از آسمان با اسم و رسم هر کدام به صحن کعبه فرستاده می‌شوند قیام می‌کنند و تمامی کشثارهای هم که به فرماندهی ایشان صورت می‌گیرد با همین شمشیرها و با شمشیرهای ملائک و اجنہ انجام می‌گیرد، و حتی یک حدیث نمیتوان یافتد که در آن صحبت از سلاح‌های محیر‌العقول تکنولژیک شده باشد که آنحضرت از چننه خود بیرون می‌آورند. نتیجه‌ای که میتوان گرفت این است که با اعاظم محدثان جهان تشیع بطور دسته‌جمعی دروغ گفته‌اند و یا آیت‌الله مکارم شیرازی با همه اهمیت مقام شرعی خودشان جعل حدیث کردند.

محبت‌گستر سیطره عشق حضرت مهدی صاحب‌الزمان، مرکز اسلامی هامبورگ سراسر نور و سرور و شادمانی بود. در این مراسم برای کسانی که نام آنها یکی از القاب مبارک حضرت ولی عصر یا نرگس خاتون بود صلوت فروستاده شد.

خود حضرت صاحب‌الزمان در تعبیر بسیار زیبائی میفرمایند: بهره‌گیری مردم از من در زمان غیبت من در حکم بهره‌گیری از خورشید است زمانی که در پس ابر قرار دارد. مدیر مرکز اسلامی هامبورگ گفت انتظار ظهور امام زمان آرزو و امید نیست، بلکه در روایات افضل الاعمال نامیده شده است^۱.

• از نظر درآمد سرانه سالانه، ایران با رقمی معادل ۲۱۹۰ دلار (ردیف صد و بیست و هشتم از میان ۱۹۱ کشور جهان) تنها کشوری است که در ربع قرن گذشته از این بابت به راه عقب‌گرد رفته است، زیرا کلیه دیگر کشورها، در حال حاضر بیش یا کم درآمد سرانه سالانه‌ای بالاتر از ربع قرن پیش دارند. و این در شرایطی که ایران دومین صادر کننده نفت و اولین صادر کننده گاز در سازمان اوپک است.

• محمود احمدی نژاد: «همه باید در مسیر انبیاء حرکت کنند. ما باید فرهنگ انتظار را میان خودمان گسترش دهیم. برای اینکار خوب است هر روز صبح وقتیکه بیدار میشویم به آن حضرت سلام کنیم و بگوئیم السلام علیک یا اباصالح المهدی».

۱ - توضیح لازم شرعی: کتب اربعه احادیث جهان تشیع و کلیه کتب احادیثی که بعد از آنها تألیف شده‌اند، و سرانجام بحار الانوار ملا محمد باقر مجلسی که شاهزاد حديث مربوط به امام دوازدهم را یکجا در جلد سیزدهم خود گرد آورده است، بالاتفاق از امام غائب به صورت شمشیرکش بزرگ اسلام نام برده‌اند که بر اساس بخشی از احادیث از هر سه نفر مردم روی زمین یکنفر را بیشتر باقی نمیگذارد، و براساس بخشی دیگر از احادیث از هر ۱۰۰۰ نفر یکنفر را بیشتر باقی نمیگذارد، و حتی حیوانات حرام گوشت را هم از دم شمشیر میگذراند. در هیچ جای این احادیث حتی یکبار هم صحبتی از آنحضرت به عنوان «محبت‌گستر سیطره عشق» بمیان نیامده است. مرکز اسلامی هامبورگ لطفاً یا نشانی از حتی یک حدیث در این زمینه بدهد، یا از جمل حدیث که قطعاً مورد قبول خود آنحضرت نیز نیست خودداری کند.

• دو هفته پیش خبر فوق العاده‌ای دهان به دهان در مملکت منتشر شد که آیت‌الله بهجت در حینی که مشغول وضو گرفتن بوده‌اند غلتاً بیهوش شده‌اند، و پس از بیهوش آمدن به مریدان خود فرموده‌اند در همین لحظه که بیهوش شدم زن ریشاری که باید امام زمان بدست او کشته شود در اصفهان متولد شد.

• حجت‌الاسلام مصطفی پور‌محمدی وزیر کشور: در حال حاضر ۶۰۰ نفر در زندانهای تهران و مشهد و شهرستانهای دیگر زندانی هستند که با خودشان مدعی امام زمان بودن شده‌اند یا مدعی ارتباط خیلی نزدیک با او شده‌اند.

• ثبت نام رایگان برای کاروان زیارتی جمکران از شنبه ۱۱ شهریورماه از سوی ستاد شعبانیه آغاز شده است. جواد عسکریان مسئول این ستاد در مصاحبه مطبوعاتی: طرح یکهزار صلوات از سوی ستاد به اجرا گذاشته شده است و علاقمندان میتوانند با مراجعه به مسجدالرسول در جنب شهرک سازمان آب ثبت نام کنند. توضیح آنکه روزانه هزاران تن برای براورد شدن حاجاتشان به مسجد جمکران مراجعه میکنند و خواست خود را در نامه‌ای همراه با مبلغی پول به خدام چاه جمکران میدهند، که آنها را بعداً در چاه میاندازند و چند روز بعد جواب امام را یا مهر و امضای ایشان بدست مقاضی میدهند.

• آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در خطبه نماز جمعه قم: «علامه مجلسی و ملا فیض کاشانی حدود ۳۵۰ سال پیش به مسجد جمکران می‌آمدند و از همان وقت روایاتی داشتند که این چاه مرکز ظهور حضرت امام زمان خواهد بود».

• حجت‌الاسلام مجید انصاری در جلسه مجلس خبرگان: «آدرس عوضی برای امام زمان دادن در مسجد جمکران لطمہ زدن به موضوع فرج ایشان است. افراد بر جسته‌ای مانند حضرت امام خمینی در دوران غیبت امام زمان ارتباطات وثیقی با ایشان داشته‌اند. چرا امروز آدرس امام زمان را بجای چاه جمکران مرقد مطهر امام خمینی نمیدهید؟»

• روز ۱۴ شهریور ۱۳۸۵ (۵ سپتامبر ۲۰۰۶) فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی امیر سرلشکر عطاء الله صالحی خبر داد که جنگنده صاعقه که توسط مهندسان دانشگاه شهید ستاری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی طراحی و «بهینه سازی» شده است، نخستین آزمایش خود را در زمینه بمباران دشمن فرضی در رزمایش «ضریب ذوالفقار» در شمال غرب کشور با موفقیت انجام داده است، و تأکید کرد که «تکنولوژی تولید این هواپیما را کشورهای امریکا و روسیه و چین و هندوستان نیز به صورت مشترک دارا هستند، ولی «صاعقه» که کلاً توسط متخصصان ایرانی تولید شده از همه آنها کارآیی بالاتری دارد».

• آیت‌الله مصباح یزدی: «نامه رئیس جمهور ایران به رئیس جمهور امریکا یک الهام الهی بود و حق است که این نامه در همه مدارس و دانشگاهها تدریس بشود».

• محمد احمدی نژاد: «مشکلات اصرroz دنیا بخاطر فراموشی یاد خداست. کسانی که از خدا فاصله گرفته‌اند یا باید از سرمشق ایران پیروی کنند یا سرنوشت‌شان مانند نمrod خواهد بود. مگر دنیا بی حساب و کتاب است؟»

• محمود احمدی نژاد در نامه خود به خانم آنگلا مرکل صدراعظم آلمان: «ریشه همه نابسامانی‌های جهان امروز دوری حکومتها از تعلیمات حضرت ابراهیم خلیل‌الله و حضرات موسی کلیم‌الله و عیسی روح‌الله و بخصوص حضرت پیامبر خاتم محدثین عبدالله است و برطرف شدن این مشکل مستلزم تشرف همگی آنها به دین مبین اسلام است».

• عباسی ثوریسین حزب‌الله که عنوان استادی دانشگاه را نیز دارد و در کلاس درس خود در دانشگاه کرج بازی فوتbal را آفت جامعه دینی نامیده است، در اشاره به بازیهای جام جهانی فوتbal که منجر به اخراج زین‌الدین زیدان قهرمان الجزایری تبار فرانسوی بجرائم اهانت به حریف ایتالیایی خود شد: «این آدم کثیف بی‌اخلاق پلید مسلمان‌نما سالی ۵۸ میلیون دلار پول می‌گیرد و هنرش فقط این است که نود دقیقه در زمین

خوب بازی میکنند، یعنی عین یک گاو به سینه بازیکن مقابل میزود».

• علی خامنه‌ای «مقام معظم رهبری مسلمین جهان» در پیام ۱۵ امرداد ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) خود به جهان اسلام در اشاره به قربانیان دهکده قاتلی لبنان: «آن کودکان معصوم، آن تن‌های ضعیف و رنجور، آن دلهای وحشتزده و کوچک به چه گناهی کشته شدند؟ دلهای آتش گرفته مادران و پدران آنان چرا باید به دست صهیونیست‌های خونخوار و حامیان مست و مغورو امریکایی آنها اینطور کباب میشند؟... دنیای مدعی تمدن و سازمان ملل و دولتها و سازمانهای مدعی حقوق بشر تا کمی باید در برابر این فجایع خوسرد و بی تفاوت بمانند؟... مسئولان این سازمانها به اندازه‌های مختلف در مؤاخذه و عقوبت عظیم الهی مسئول و شریک جرم هستند».

کیهان لندن در ارتباط با همین پیام، بنوبه خود میپرسد: «کودکان معصوم آن زندانیانی که در سیاهچال‌های سعید مرتضوی‌ها بسر میبرند و کسی به دادشان نمیرسد، قربانیانی که در زندان اوین کشته میشوند و تنها اجسادشان تحويل خانواده‌هایشان داده میشود، زنان و مردانی که در سلولهای انفرادی ۸۵ زندان کشور میپوشند و نالله‌هایشان بی‌شئونه خاموش میشود به چه گناهی یتیم میشوند؟ تن‌های ضعیف و رنجور آنان چه جرمی را باید پس بدهنند؟ دلهای آتش گرفته آنها چرا باید به گناه مطالبه حقوق انسانی از جانب پدران و مادرانشان کباب شوند؟ چرا باید این کودکان گناه قاتل‌های لبنان را پس بدهنند، اما در قاتل‌های کشور خودشان سرتوشی تلخ‌تر از کودکان لبنانی داشته باشند؟ آیا مسئولان این سازمانها به اندازه‌های مختلف در مؤاخذه و عقوبت عظیم الهی مسئول و شریک جرم نیستند؟»

• رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر بم در جلسه ستاد بزرگداشت سال پیامبر اسلام (۱۰ شهریور ۱۳۸۵، اول سپتامبر ۲۰۰۶) با تفاخر اعلام داشته است که بدین مناسبت بزرگترین خشت جهان که خوشنویسان این اداره احادیث مربوط به آن بزرگوار را بر روی آن با خطی خوش ثبت کرده‌اند به مساحت ۳ متر در ۳ متر در محل در ورودی ارگ بم در جواز ارگ قدیم این شهر که توسط کارشناسان پایگاه پژوهشی ارگ در

حال ساخته شدن است، در مهرماه امسال پرده برداری خواهد شد. یادآوری این واقعیت بیمورد نیست که از ششصد میلیون دلار کمک بین‌المللی و از بیش از صد میلیارد تومان کمک اعلام شده خود دولت، تاکنون نه ویرانه‌های به بازسازی شده‌اند و نه نشانی از این بازسازی برای آینده وجود دارد، زیرا ظاهراً مسئولان «نظام» اطمینان یافته‌اند که رضایت خاطر پیامبر اسلام را با خوشنویسی خشت^۹ متوجه پیام و احادیث ایشان بیشتر تأمین میتوانند کرد.

• محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری نظام ولایت مطلقه فقیه، در دیدار با جوانان برگزیده کشور در «روز جوان» (۱۴ شهریور ۱۳۵۵ سپتامبر ۲۰۰۶): «دانشجویان امروز کشور ما باید بسر رئیس جمهوری خود فریاد بزنند که چرا استاد لیبرال و سکولار در دانشگاه حضور دارد؟».^۱ رئیس بزرگوار دولت یا واقعاً نمیداند و یا عمدتاً تجاهل میکنند که پس از «تصفیه» نوع استالیتی که ۲۷ سال پیش توسط محمد علی رجائی وزیر آموزش و پرورش وقت در ساختار آموزشی مملکت صورت گرفت همواره رؤسای دانشگاهها و استادان آنها از طرف «نظام» و با نظارت و موافقت «نظام» برگزیده شده‌اند و هیچکدام از آنها استقلال و اجازه آنرا نداشته‌اند که به تأکید همین آقای رئیس جمهوری «در سیاست دخالت کنند»، هر چند که در صدر انقلاب بنیانگذار رژیم صریحاً اظهارنظر کرده بود که: «دخالت در سیاست حق مسلم و منطقی دانشگاه و دانشگاهیان است».

باز هم همین آقای رئیس جمهوری، «فاضلانه» اظهار نظر میکنند که «نظام آموزشی ما ۱۵۰ سال است متأثر از نظام سکولار بوده است و استعمار نیز به دنبال تعمیم نظام مورد نظر خودش بوده است». این بار هم وی یا واقعاً نمیداند یا تجاهل میکنند که نظام آموزشی ایران (که جز در دوران دو پادشاه پهلوی همواره در اختیار روحانیت قرار داشته) هیچوقت امکان

۱- توضیح: مفهوم کلمه Secular که از لاتینی گرفته شده انتقال از حالت وابستگی به مذهب به حالت جدایی از مذهب است، بی‌آنکه این جدائی الزاماً مفهوم دوری از مذهب یا انکار مذهب را داشته باشد.

سکولار بودن نیافته است. تکیه بر رقم ۱۵۰ نیز تأکید بیمودی است زیرا از هیچ واقعیت تاریخی حکایت نمیکند. آنجایی که بی اطلاعی یا تجاهل با مغلطه و با تعصب در میامیزد، وقتی است که این آقای رئیس جمهوری پای اولیاء و انبیاء را هم در پیش میکشد و آنچه را که صرفاً از واقعیتهای محسوس و روزمره اجتماعی مایه میگیرد به خدا و مذهب و مسائل آنجهانی مربوط میکند که جز در مخیله خود ایشان و همکارانشان با هم ارتباطی ندارند.

• محمد باقر قالیباف شهردار تهران در مصاحبه مطبوعاتی: «شمار حاشیهنشینان تهران به ۳۵ میلیون نفر رسیده است. افزایش رقم کودکان فراری و کودکان خیابانی و کارتون خوابها همگی ناشی از همین حاشیهنشینی است زیرا جمعیت حاشیهنشین شهرو تهران خودش به اندازه جمعیت یک شهر بزرگ یا حتی یک استان کشور است. کل جمعیت حاشیهنشین کشور در حال حاضر به ۶ میلیون نفر میرسد، یعنی تقریباً از هر ده ایرانی یکنفر حاشیهنشین است».

• به گزارش خبرگزاری مهر، دولت ایران تنها در سه ماهه اول امسال ۳ میلیارد و ۵۸۶ میلیون دلار از صندوق ذخیره ارزی کشور برای مصارف خود برداشت کرده است، در حالیکه این رقم در مدت مشابه آن در سال گذشته از یک میلیارد دلار هم کمتر بوده است.

• موحدی معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی: «هم اکنون بین ۳۰٪ تا ۴۰٪ از صنایع داخلی کشور بخاطر نداشتن مشتری برای محصولاتشان بیکار مانده‌اند».

• بعد از گیرافتادن برادر رئیس پیشین سازمان قضائی نیروهای مسلح در هنگام جابجا کردن تریاک، داماد آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در یک ماجراهی جابجا شده تریاک بازداشت شده و بدین ترتیب پایی علمای کرام هم در این بازرگانی سودآور باز شده است. در دفتر منطقه حفاظت شده صنعتی سلفچگان که مدتی ریاست آن با یکی از بستگان نزدیک آیت‌الله مسکینی بود مأموران یک کامیون جاسازی شده تریاک را برای حمل

به اروپا کشف کردند، ولی مسئول این تقلب با وجود میلیونها تومان اختلاس همچنان بر سر کارش باقی مانده است.

• عدهای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بدین جهت که در دوران شهرداری محمود احمدی نژاد ۲۰۰ میلیارد تومان در شهرداری تهران اختلاس شده و بمصرف تبلیغات ریاست جمهوری رسیده است، و اضافه بر آن ۲ میلیارد دلار بدون حساب و سند از بانک مرکزی بیرون آورده شده است که سازمان برنامه قبولش ندارد، اعلام کرده‌اند که باید رئیس جمهوری در این دو موضوع مورد استیضاح قرار گیرد.

• براساس گزارش ۴۵ صفحه‌ای سازمان عفو بین‌الملل، کشور ایران پس از چین بالاترین رقم اعدام شدگان را در سراسر جهان دارد.

• گزارش سالانه سازمان ملل متحد: شماره کتابهای ترجمه شده در جهان اسلام و عرب جمعاً برابر یک پنجم کتابهایی است که سالانه تنها در کشور ده میلیون نفری یونان ترجمه و چاپ می‌شود.

• ناصر بريا مشاور رئیس جمهوری در امور روحانیون، در مصاحبه مطبوعاتی در شاهروود: صدور دستور آقای احمدی نژاد در خصوص ورود زنان به ورزشگاه‌ها باعث شد که از حمله امریکا به ایران جلوگیری شود.

• آیت‌الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان در جلسه شهریورماه این مجلس: «حکومت ما تنها حکومت روی زمین است که با یک رشتہ محکم به الله وصل است و از تمام جهات مورد تأیید و امضای معصومین قرار دارد. نظام ما متصل به الله است و نیروهای نظامی ما جندالله هستند و جوانان ما حزب الله و اکثریت ملت ما اولیاء الله».

• حجت‌الاسلام مصطفی نورمحمدی وزیر کشور: وضعیت اقتضا میکند که دولت و مردم خودشان را برای یک دوره ریاضت چهار ساله آماده کنند، چون این ریاضت برکات الهی برای ایشان دارد.

• آیت‌الله مظاہری رئیس حوزه علمیه اصفهان، در نشریه «با الثارات»: «اگر پسرهای جوان لباسی بپوشند که مایه تحریک شهوت شود به نظر علماء حرام است. وقتیکه پسر جوانی با وضع جلف بیرون بیاید کم کم

- حیا و شرف او کمنگ میشود».
- اداره بازرسی شهرداری تهران در گزارشی که اخیراً در اختیار اعضاي شورای شهر و شهردار تهران گذاشت، تصریح کرده است که داود احمدی نژاد برادر بزرگ محمود احمدی نژاد که مجری طرح میدان نور تهران بوده است در این مورد تخلفی بیش از ۲ میلیارد تومان انجام داده است. وی هم اکنون رئیس دفتر بازرسی ریاست جمهوری است و وظیفه رسیدگی به تخلفات دیگر دستگاههای اجرائی را نیز بر عهده دارد.
- به گزارش خبرگزاری ایسنا، در حال حاضر بطور متوسط روزانه ۵۴ دختر ۱۶ تا ۲۵ ساله ایرانی در کراچی پاکستان خرید و فروش میشوند. محبوبه مقدم کارشناس ارشد پژوهشگری مطالعات زنان، در اجتماع روز جهانی زن اظهار داشت که کلیه گزارشها گویای دست اندرکاری افراد ذی نفوذ در گسترش فحشا است، زیرا باندهای قاچاق که دختران را با هواپیما به کشورهای جنوب خلیج فارس منتقل میکنند نمیتوانند این کار را بدون تسهیلات حکومتی انجام دهند. به اظهار وی تعداد دختران فراری در کشور دست کم به ۳۰۰ هزار نفر میرسد و قریب ۸۶٪ از دخترانی که برای نخستین بار فرار میکنند مورد سوء استفاده جنسی قرار میگیرند.
- در همین گزارش اظهار شده که در حال حاضر ۸ میلیون زن ایرانی در فقر مطلق بسر میبرند، و شماره جوانانی نیز که با مشکلات روانی دست بگریبانند ۱۴ میلیون نفر است که اکثر آنها دختر هستند.
- باز هم در همین قطعنامه ۱۱ ماده‌ای آمده است که نسبت خودکشی در ایران در مقایسه با بقیه کشورهای جهان در بالاترین رده‌های است. رقم خودکشی کنندگان به سالانه ۷,۰۰۰ نفر بالغ میشود که در این مورد نیز زنان سهم بیشتر را دارند.
- آیت‌الله حائری شیرازی امام جمعه شیراز در خطبه نماز جمعه: «وضعیت بهره‌های سیستم بانکی در ایران و کلاه شرعی‌های آن طوری است که خودمان از بانکداری بدون ربا با بهره‌های دو رقمی خنده‌مان میگیرد».
- محمد هادی مهدویان کارشناس امور بانکی: در ده سال گذشته

۵,۵٪ چکهای صادر شده برگشت خورده است. در فاصله سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۸۳ جملاً ۵۰۵ میلیون چک صادر شده که ۲۷ میلیون از آنها بی محل بوده و رقم متوسط هر چک برگشته ۱۳۰ هزار تومان بوده است. این رقم نزدیک به کل بودجه ۱۹۲ هزار میلیارد تومانی دولت در سال ۱۳۸۵ را تشکیل میدهد. کسانی که به جرم کشیدن چک بی محل روانه زندان شده‌اند پس از زندانیهای قاچاق مواد مخدر رده دوم را در کشور دارند.

• اعلام خطر ۵۰ تن از استادان اقتصاد دانشگاههای ایران در نامه‌ای به رئیس جمهوری در مورد سیاستهای اقتصادی دولت و تأثیر نامطلوب آنها در سرنوشت اقتصاد کشور: «روزی که قرار شود ادعائمه‌ای علیه اشتباهات اقتصادی رژیم تهیه شود، خطاهایی که در امور اقتصادی انجام گرفته‌اند برشمرده خواهند شد، که در رأس آنها بی اعتبار کردن پول ملی است. دلاری که به بهای ۷۰ ریال خرید و فروش می‌شد امروز بیشتر از ۱,۰۰۰ برابر گرانتر شده است و عامل این ورشکستگی ملی سیاستهای تخریبی نظام جمهوری اسلامی است». واکنش محمودی احمدی نژاد: «هیچگونه شرایط غیرعادی در اقتصاد مملکت وجود ندارد. فقط یک مشت آدمی که خودشان را اقتصاددان میدانند به دروغ فریاد می‌زنند که در کشور گرانی وجود دارد».

• ۲,۰۰۰ میلیارد تومان (معادل ۲,۵ میلیارد دلار) از دو شعبه بانک ملی و بانک ملت در جزیره کیش بطور غیرقانونی برداشت شده است. محسن یکتن خدایی رئیس کل دادگستری هرمزگان با اعلام این خبر، از این پرونده به عنوان بزرگترین پرونده فساد در یک بانک کشور نام می‌برد. این اختلاس که پرونده بیش از ۲۱ هزار میلیارد ریالی آن در دادگستری استان هرمزگان مطرح است، مهمترین سوء استفاده بانکی در ایران تا به امروز است.

• به گزارش دفتر اطلاع رسانی مرکز بین‌المللی پژوهش‌ها، ایران از نظر فساد اداری و مالی در میان ۱۳ کشور خاورمیانه چهارمین کشور بعد از عراق و فلسطین و یمن است. رتبه‌های پنجم تادوازدهم را بترتیب لبنان، سوریه، عربستان، کویت، اردن، بحرین، قطر و امارات عربی متحده بر عهده دارند. سالمترین کشور منطقه سلطان‌نشین عمان شناخته شده است.

در کشورهای صنعتی حد متوسط رقم رشوه ۱۵٪ و در آسیای شرقی ۲۰٪ است. ۶۵٪ از مدیران مصاحبہ شده در ایران اذعان کرده‌اند که برای گذراندن کارهایشان بطور منظم مجبور به پرداخت رشوه هستند.

• خبرگزاری دانشجویان ایران، اینستا، به نقل از فتح الله امامی مجری طرح جامع کاهش آводگی هوای تهران: «هر روز بطور متوسط ۲۷ تهرانی از آводگی هوا میمیرند، بطوریکه در اوایل دسامبر ۲۰۰۵ دولت ناگزیر شد ابا اعلام وضعیت اضطراری تمامی مدارس و ادارات را تعطیل کند».

• حاج مهدی سراج انصاری در کتاب «شیعه چه میگوید» که در سال ۱۳۸۵ هجری قمری (۱۴۴۴ شمسی) در حوزه علمیه قم بچاب رسیده است، با استناد به کتاب فرقه‌های شیعه موسی نویختی: «پس از درگذشت امام یازدهم، شیعیان به ۱۴ تیره تقسیم شدند که تیره‌ای از آنان براین عقیده بودند که ایشان (امام حسن عسکری) را اصولاً فرزندی نبوده است، و برخی دیگر برای ایشان دو فرزند به نام‌های محمد و موسی قائل بودند. فرقه‌ای تأکید داشتند که امام یازدهم همسر عقدی نداشته‌اند و جرجیس خاتون کنیز ایشان بوده است. در میان این ۱۴ فرقه فقط فرقه چهاردهم که شیعیان دوازده امامی هستند جانشین امام حسن عسکری را فرزند پنج ساله او از جرجیس خاتون همان مهدی موعود میدانند که با وفات پدر غیبت صغای خود را آغاز کرده و بعد از هفتاد و چند سال در سال ۳۲۹ هجری به غیبت کبری رفته است که در طول آن حکومت عامه در دست راویان حدیث اداره نشوند در هر منطقه از زمین و به هر اسم و رسمی که باشند باطل و غاصب و جابر شناخته می‌شوند و زمامداران آنها اعم از پادشاه یا رئیس جمهوری باید تحت ارباب دین باشند».

لازم به تذکر است که بیش از یکهزار و صد میلیون نفر اهل تسنن این جهان اسلام نه اصولاً وجود خود امام زمان را قبول دارند و نه مانیفست «سیاسی - مذهبی» حکومت مطلقه فقیه را که از «توقیع» نادیده امام غائب مایه می‌گیرد.

• پس از موفقیت استثنایی نمایشگاه مربوط به ایران هخامنشی در لندن، روزنامه ژاپنی آساهی شیمبوون که پر تیرازترین روزنامه سراسر جهان است، به اتفاق یک شرکت بزرگ فیلمسازی ژاپنی اقدام به تشکیل نمایشگاه مشابهی بنام «شکوه پارسی» در ژاپن کرد که روز دهم مردادماه گذشته (اول اوت ۲۰۰۶) بصورت یکی از بزرگترین نمایشگاههای فرهنگی ایران در خارج از کشور، در موزه متروبولیتن توکیو گشایش یافت. تبلیغات مربوط به شناساندن این نمایشگاه از حدود یکسال پیش توسط رسانه‌های گروهی ژاپنی (روزنامه‌ها، مجلات، شبکه‌های رادیو تلویزیونی) آغاز شده بود و پس از گشایش نمایشگاه نیز پوشش خبری توسط همین رسانه‌ها ادامه یافت. ولی همه این جریان از رسانه‌های گروهی خود ایران بدور ماند، بطوریکه دستگاه رادیو تلویزیونی دولتی صدا و سیمای ایران حتی خبر گشایش و برگزاری این نمایشگاه را در هیچیک از بخش‌های خبری متعدد خویش پخش نکرد، در حالیکه همین صدا و سیما یک دفتر منطقه‌ای در کوالالومپور پایتخت مالزیا دارد که بموقع در جریان برگزاری نمایشگاه توکیو قرار گرفته بود.

با این همه، به دعوت مؤسسه برگزارکننده نمایشگاه، مدیر موزه ملی ایران به همراه رئیس سازمان‌های میراث فرهنگی و گردشگری و معاون فرهنگی این سازمان در مراسم افتتاح آن حضور داشتند و خود رئیس موزه در بازگشت به ایران پذیرفت که متأسفانه تشکیل این نمایشگاه کمترین بازتاب را در داخل کشور نداشته است، در حالیکه امکان داشت با اعزام یک تیم حداقل پنج نفری از خبرنگاران این اشکال را مرتفع کرد.

همین مدیر موزه ملی ایران اخیراً گزارش داد که دولت چین نیز بنوبه خود خواستار برگزاری نمایشگاه شکوه پارسی در محل «شهر منوعه» یا کاخ سلطنتی پیشین امپراتوران چین در شهر پکن شده است و مایه تأسیف خواهد بود اگر این بار نیز از جانب رسانه‌های گروهی ایران این موضوع با سکوت و بی‌اعتنایی مواجه شود.

این موضوع یادآور برگزاری نمایشگاه بزرگ «شکوه ساسانیان» در موزه سلطنتی هنرهای بلژیک است که در آن بزرگترین موزه‌های جهان

(لور، بریتیش میوزیوم، ارمیتاژ، موزه برلین، متروپولیتن نیویورک، موزه‌های توکیو و رم) شرکت کردند، ولی خود دولت ایران به دلیل اینکه هنر ساسانی را بعنوان هنر عصر جاهلیت هنری اصیل نمیداند از شرکت در آن خودداری کرد، و میرحسین موسوی نخست وزیر وقت در مقاله‌ای ادعا کرد که استعمار این افسانه را برای ایران پیش از اسلام ساخته و پرداخته است تا فاجعه کربلا و شهادت حسین را کمنگ کند.

* صاحب‌نظری بنام سیروس جلالی در هفته نامه کیهان مینویسد: ترکیب آیت‌الله و حزب‌الله با واقعیت‌های اسلامی همانقدر مضحك است که ترکیب «روسی - مذهبی»، و ترکیب «مجاهد - مارکسیستی»، و همانقدر بیمعنی است که ترکیب صبغة ناموسی و دمکراسی اسلامی روش‌نفر متکری است که روشنگرا باشد و نه تاریک‌گرا و دارای دانش و بینشی باشد که نه مرعوب سیاست گردد و نه مرعوب دین، و فرق کله پاچه اسلامی را با کلپاسه ولاکی بداند. اعلامیه حقوق بشر ارزشی است جهان‌شمول که نگهدارنده آزادی و هویت «فردی - خدای» انسانها است و نمیتواند در زیر حاکمیت دین یا سیاست قرار گیرد. کلیدی است در دست هر فرد برای گشودن چاه‌های و مبارزه با منفی‌گرایی. در کشور ما کورش بزرگ با اعلامیه حقوق بشر خود مظہر این برداشت بود. ولایسم که متون کتابها را به سود خودش تحریف و تعویض میکند و از «فرهنگ موهوم ایرانی» داد سخن میدهد نمیتواند نه سخنگوی کورش بزرگ باشد و نه سخنگوی حقوق بشر او.

* سرلشکر پاسدار محمد قالیباف، شهردار تهران: «با اینهمه درآمد ناشی از نفت نباید وضعیت اشتغال و بیکاری در کشور این باشد که هست. بیجهت تعارف میکنیم و به یکدیگر نان قرض میدهیم. با نگاهی به دنیا میتوانیم به این نتیجه برسیم که فرصتی برای حرف زدن نداریم. شهروندان تهرانی امروز از من برای خودشان و فرزندانشان کار میخواهند. ما نمیتوانیم فقیر باشیم و شعار مبارزه با امریکا را سردھیم. حقیقت این است که نزدیک به ۸۵٪ از زنانی که به تن فروشی مشغولند از روی بیکاری و فقر دست به این کار زده‌اند.»

• محمد نصر اصفهانی مفسر امور مذهبی سایت بازتاب: «حدود بیست سال قبل در یک مرکز تحقیقاتی حوزه علمیه قم به کتاب منتخب الاثر فی امام الثانی عشر تألیف آیت‌الله لطف‌الله گلپایگانی علاقمند شدم. در مطالعه این کتاب توجهم به باب نهم آن جلب شد که در آن نویسنده روایات مربوط به روز ظهر حضرت صاحب‌الزمان را جمع کرده و نه بجای روز جمعه روز شنبه را روز ظهر اعلام نموده است. هرچه زمان میگذشت، در برنامه‌های رادیو و تلویزیون و در نوشهای شاعران و نویسندگان و سخنرانی‌های وعظ میشنیدم و میخواندم که امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه روز جمعه ظهر خواهد کرد، حساسیت و گاه ناراحتی ام بیشتر میشد که چرا یک موضوع تحقیق نشده اینقدر مشهور شده است. البته ممکن است گفته شود چه تفاوتی دارد که امام زمان جمعه ظهر کند یا شنبه، در صورتیکه اتفاقاً موضوع بسیار مهم است، چرا که اگر مطلب این چنین بدیهی بماند و مؤمنین هر روز جمعه منتظر ظهر باشند و پس از آن با نامیدی تا هفته بعد در انتظار بمانند ولی روز شنبه مواجه با ظهر ایشان شوند آیا امام را انکار خواهند کرد و نخواهند گفت این آدمی که روز شنبه ظهر کرده امام زمان نیست، چرا که امام زمان باید روز جمعه ظهر کند؟ در اینصورت مستول این فاجعه بزرگ کیست؟ بیست سال تمام است من از این بابت سخت ناراحت هستم.»

• به گزارش سایت بازتاب اخیراً در شهر قم یک هیأت مذهبی به بهانه برپایی جشن نیمه شعبان اقدام به ساخت ماکت بین‌الحرمین و ضريح حضرت حسین و حضرت عباس کرده است و مردم به زیارت این ماکت و دخیل بستن به آن و ریختن پول به داخل ماکت تشویق میشوند و به دعا و نذر و نیاز میپردازند. پیش از این نیز ایادی آیت‌الله مصباح یزدی جعبه‌ای با چراغ‌های رنگارانگ در مسجد جمکران نصب کرده و مردم را با زیارت آن به عنوان نماد ظهر امام زمان تشویق میکردند، بطوریکه این موضوع حتی اعتراض عده‌ای از روحانیون قم را برانگیخت و مسئولین مسجد ناگزیر شدند جعبه را بردارند.

• کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متعدد در گزارش «جذب سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۵» اعلام کرده است که سهم ایران در جذب بخشی از ۹۱۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاریهای خارجی در جهان تنها ۳۰ میلیون دلار یعنی یک شانزده هزار آن بوده است. در میان کشورهای جهان، انگلستان با جذب ۱۶۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاریهای خارجی در مقام اول، امریکا با جذب ۹۹ میلیارد دلار در مقام دوم و چین با جذب ۷۲ میلیارد دلار در مقام سوم قرار گرفته‌اند. در میان کشورهای خاورمیانه، امارات عربی متحده با جذب ۱۲ میلیارد دلار، ترکیه با جذب ۹ میلیارد دلار و عربستان سعودی با جذب ۴۶ میلیارد دلار به ترتیب مقامهای اول تا سوم را دارند. ایران در این فهرست با وجود همه امکانات بالقوه خود در پایین‌ترین ردیف میان همه کشورهای این منطقه قرار گرفته است.

• شرکت دولتی نفت نروژ بنام استات اویل که از جانب یک دادگاه امریکایی بابت پرداخت پانزده میلیون دلار رشوه به یکی از مقامات ایرانی محکوم شده بود پذیرفت که برای بسته شدن پرونده این رشوه‌پردازی ۲۱ میلیون دلار جریمه پرداخت کند. طبق بیانیه‌ای که در پاییخت نروژ از جانب این شرکت انتشار یافت، اعلام شد که این پرداختها در دو توبت در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به مهدی هاشمی پسر علی اکبر هاشمی رفسنجانی پرداخت شده است تا پدر او از نفوذ خود در رژیم دولتی ایران برای واگذاری فازهای ۶ و ۷ و ۸ میدان گازی پارس جنوبی به این شرکت نروژی استفاده کند. در سال ۲۰۰۳ پس از آنکه ماجرای پرداخت این رشوه توسط خبرگزاریها و مطبوعات بین‌المللی فاش شد، مجلس شورای اسلامی طرحی را برای رسیدگی بدین موضوع تصویب کرد و رئیس کمیسیون انرژی مجلس و معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی و هیأتی از کارشناسان برای تحقیق به نروژ رفتند، ولی چند هفته بعد کمیسیون تحقیق مجلس مهدی هاشمی رفسنجانی را از کلیه اتهامات واردہ مبرا شناخت.

• سید حسن خمینی رئیس هیأت امنای پژوهشکده خمینی خطاب به رئیس و استادان و دانشجویان این پژوهشکده: «آیا ما در جامعه خودمان

برای فرمانبرداری از فرمانهای خداوند تعصی یکسان نشان میدهیم؟ آیا برخورد با آدم دروغگو به همان اندازه برخورد با بانوان بدحجاب اهمیت دارد؟ آیا حساسیت ما نسبت به فقر در جامعه به همان اندازه حساسیتمان نسبت به موهای خانم‌ها است؟»

• احمدی نژاد در مصاحبه با روزنامه‌نگاران: «از من میزستند واقعاً با جایی ارتباط داری؟ میگوییم: بله، دارم، با خدا که به من الهام می‌فرستد. این رئیس جمهوری امریکا هم مثل من است، به او هم الهام می‌شود، منتهی از طرف شیطان. وقتی که من میگویم خدا برای ما معجزه می‌آفریند مرا مسخره می‌کنند. مگر حتماً باید در این قرن چهاردهم از دل کوه شتر بیرون بیاید تا قبول کنند معجزه را؟ مگر وجود امام خمینی خودش معجزه نبود؟»

• عزت‌الله ضرغامی مسئول رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی: «با آقای رئیس جمهوری وقت نداشته است که برنامه‌های صدا و سیما را نگاه کند یا اینکه گزارش‌های ناقص به او میدهند. وقتیکه بهای رسمی هر کیلو گوشت ۳۹,۰۰۰ ریال است اما در بازار بیشتر از ۶۰,۰۰۰ ریال به فروش میرسد معنی آن تورم است. در نامه پنجه تن از اقتصاددانان که در اوایل تیرماه انتشار یافت رشد تورم به علت سیاستهای اشتباه دولت آقای احمدی نژاد بیش از ۲۰٪ پیش‌بینی شده بود، ولی درست همزمان با آن، خبرگزاری فرانسه از زبان احمدی نژاد مخابره کرد که: مسئله تورم در ایران ساخته و پرداخته مطبوعات و رسانه‌های خبری است و این موج تبلیغات ماههای گذشته است که شبیه تورم در کشور را به وجود آورده است. این رسانه‌ها سعی می‌کنند دولت را در مبارزه با تورم ناتوان نشان دهند. نه خیر، تورم همیشه وجود داشته است.»

• برخلاف ارقام رسمی دولت جمهوری اسلامی که تعداد مبتلایان به بیماری «ایدز» را در کشور ۱۲,۰۰۰ تن میدانند، گزارش سازمان ملل متعدد تعداد افراد ناقل ویروس ایدز را در ایران ۶۶,۰۰۰ نفر اعلام کرده است که از این عده ۱۱,۰۰۰ نفر شان زن هستند. بنا به همین گزارش تاکنون ۱,۶۰۰ نفر به دلیل ابتلا بدین بیماری جان خود را از دست داده‌اند.

انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران، از هنگامیکه پوست عوض کرد واز عصیان سیاسی روشنفکران تبدیل به انقلاب مذهبی کسانی شد که به جاروکشی خمینی افتخار میکردند، واز همانوقت که رهیان «پیکار آزادی» جای خود را به کارگردانان مکتب «صفیران مادامالعمری» سپردنده، دیگر بجز مجموعه‌ای از واپسگرائیها، تعصبهای، کینه‌توزیهای، و برانگریها و زشتی‌ها نیسند. و اگر هم واقعاً در آغاز کسانی با حسن نیت برای تحصیل آزادی‌های بیشتر و حقوق فردی زیادتری قیام کرده بودند، این کوشش آنان خوش درخشیده بود ولی دولتی مستعجل بود، زیرا از آن هنگام که کار بالمره در دست روضه‌خوانها افتاد، دیگر این انقلاب منحصرآنقدر آخوند بود، و انقلاب آخوند همانقدر از آزادی بیگانه است که جن با اسم الله فاصله دارد.

انقلاب آخوند، آشکارا یک انقلاب کینه بود. انقلابی بود برای ویران کردن آنچه ساخته شده بود و آنچه ساخته میشد، و درست بهمین دلیل بود که این انقلاب خود را نیازمند رهبری مدافعان حقوق بشر نیافت، نیازمند رهبری کسانی یافت که مظهر مجسم عقده‌ها و کینه‌توزیهای او باشند، و آن کسی را به «رهبری کبیر» خود برگزید که از میان تمام عواطف انسانی تنها با حس کینه‌توزی آشنا بود.

اتفاقاً آزمایش‌های فراوان گذشته نشان داده بود که هیچ نیرویی برای برانگیختن توده‌ها به انقلابهایی از نوع انقلاب ایران، کارآتر از همین عامل کینه نیست. این «قانون انقلابی» را پیش از این آدولف هیتلر، در گفتگوی بی‌پرده‌ای با یکی از نزدیکانش بنام هرمان راوشنینگ که بعداً در کتابی بنام «هیتلر به من گفت» پرده از آنها برداشت، به روشنی مذکور شده بود:

— «جماعت حیوان‌گول‌پیکری است که تنها از غرائز خودش پیروی میکند، و کارآمدترین این غرائز، حس کینه و نفرت است. راز پیروزی من در همین است که میتوانم تعصب توده‌ها را برانگیزم تا آنها را به آسانی در خدمت خواسته‌ای خودم بکار گیرم و در عوض آنها نیز بی هیچ تردیدی از

دستورالعمل‌ها و شعارهایی که من بدانان میدهم پیروی کنند. اصل این است که در گفتگو با جماعت جائی برای منطق وجود ندارد.

و باز گفت: «تبوغ یک رهبر در این است که بتواند همه نفرتها و کینه‌ها را در وجود یک دشمن واحد متمرکز کند».^۱

از هیتلر پرسیدم: آیا عقیده دارید که باید تمام یهودیان نابود شوند؟ جواب داد: نه، زیرا در آنصورت برای برانگیختن احساس کینه توزی در مردم، میبایست دوباره بفکر اختراع آنها بیفتیم!»^۲

پیش از او Montaigne متفکر و فیلسوف نامی فرانسه، در کتاب *Essais* در همین باره نوشته بود: «وقتی که روح کینه و نفرت گرایش‌های کسان را به تعصب، بیرحمی، عصیان و ویرانگری برانگیزد، نیرویی پدید می‌آید که غالباً هیچ چیز قدرت پایداری در برابر آنرا ندارد».^۳

ترازنامه «انقلاب شکوهمند اسلامی» سال ۱۳۵۷ ترازنامه یکی از بی‌شکوه ترین انقلاب‌های تاریخ جهان است. ترازنامه دروغ و ریا است. ترازنامه‌ای است از وعده‌های زیبا و از دستاوردهای رشت، از مجموعه‌ای از اغراض خصوصی، فرصت طلبیها، این الوقتی‌ها، حسابگریها، که در قالب شعارهایی پرطنین ولی بی محتوا ارائه شد. ترازنامه یک شرکت سهامی فریب است که بنام آزادی و قانون و عدالت تأسیس شد، ولی سرمایه آن منحصراً در معاملات چپاولگرانه سهامداران و سرمایه‌گذاران آن بکار گرفته شد.

بازنده بزرگ در این سودا اینان نبودند، همه ملت ایران بود. «دللان مظلمه» همچون زن ابولهب فقط آتش بیار معرکه بودند، و آنکه همه هستیش در این آتش سوخت کشور این آتش بیاران بود. در این دلالی مظلمه، آنان که همه دستاوردهای سیاسی و اقتصادی و دارو-تدار مادی ملت ایران را تحويل شرکت‌های چندملیتی دادند نقش دزدان نیمه شب را ایفا کردند، و آنانکه عروس زیبای فرهنگ ایران را دست بسته به آخوند

۱ - Hermann Rauschning در کتاب *Hitler speaks*، چاپ نیویورک، ۱۹۴۰، ص ۱۷۲.

سپردهند نقش جاکشان را. و متأسفانه در ضوابط اقتصادی جهان زور و زر هیچیک از این دو تازگی نداشت.

راهگشایان اهریمن، دانسته یا ندانسته، خواسته یا ناخواسته، به اشتباه یا با قصد خیانت، کشوری را که در مسابقه سازندگی و آینده‌نگری موفق‌ترین کشور جهان سوم بود، از میدان مسابقه بالمره بیرون راندند. امروز دیگر این مملکتی که در صحنه جهانی وزنهای سنگین شده بود، جز بصورت یک کانون حماقت و جنایت جایی برای خود ندارد. حتی بسیاری از کشورهایی که در صفوف خیلی عقب‌تر این مسابقه قرار داشتند اکنون از آن فراوان فاصله گرفته‌اند. نباید ناگفته گذاشت که انقلابیون راه امام در حاشیه این انگیزه کینه‌توزی، از انگیزه مؤثر دیگری نیز برخوردار بودند که چندان هم ایثارگرانه نبود، و آن امید تحقق وعده‌هایی بود که با گشاده دستی بدانان داده شده بود. قرار بود به محض پیروزی انقلاب، آب و برق و اتوبوس و نفت و خانه به رایگان در اختیار «ایثارگران» گذاشته شود و روزی هشتاد تومان پول دستی نیز بین هر خانواده توزیع شود، بطوريکه تا مدتی همسایه‌های خانه‌دار هر روز صبح از کدبانوان همسایه خود جویا میشدند که بالاخره جیره نقدی خود را دریافت داشته‌اند یا خیر؟

ایران و اسلام، ارزیابی‌هایی از پژوهشگران

دکتر علیرضا نوروزی، دکتر مسعود شفیعی

گروهی از استادان و دبیران ایران طی نامه‌ای به رئیس جمهوری هشدار داده‌اند که کتابهای درسی - که دانشجویان می‌باید از روی آنها در امتحانات پاسخ دهند - براساس برداشت‌هایی از تاریخ و فرهنگ ایران تنظیم شده‌اند که با واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی کشور تطبیق نمی‌کنند و بهمین جهت دانشجویان یا می‌باید با همین برداشت‌های غلط وارد زندگی اجتماعی شوند و یا با توجه به ناروا بودن آنها بازی دوگانه بکنند و راه دروغگویی را در پیش بگیرند. از جمله این برداشت‌های غلط کوشش در تخطیه تاریخ پیش از اسلام این کشور و مفاخر ملی و فرهنگی آن، و تلقین این افسانه است که مفاخر واقعی ایران از زمان یورش اعراب بدین کشور با هدف به ارمنستان آوردن آیین اسلام برای مردم این سرزمین آغاز شده‌اند، و تأکید نهادن بر اینکه ایرانیان با آغوش باز به استقبال پیام آوران و نجات‌بخشان خویش رفتند.

با اینهمه، تحلیل‌ها و ارزیابی‌های کلیه پژوهشگران عصر روشنگری حاکی از این است که تصرف ایران و اشغال آن از جانب تازیان بهیچوجه با چنین انگیزه‌ای و در چنین شرایطی انجام نگرفته است و تفاوت میان آنچه واقعاً در این راستا گذشته است با آنچه دانشجوی ایرانی در کتابهای درسی خود می‌خواند و می‌باید پاسخگوی آن باشد به اندازه تفاوتی است که میان افسانه و واقعیت وجود دارد. نمونه‌هایی چند از این ارزیابی‌های پژوهشگران عصر روشنگری را در چند صفحه آینده خواهید خواند، ولی برای آگاهی خیلی بیشتر می‌باید به کتاب پس از هزار و چهار صد سال خود من که بیش از یکصد صفحه آن بدین موضوع اختصاص یافته است مراجعه کنید:

خانه و دزد

در آغاز قرن گذشته، Clément Huart مورخ و محقق نامی فرانسه در «تاریخ اعراب» خود چکیده بررسی های پژوهشگران اروپایی قرن نوزدهم را

در زمینه سقوط شاهنشاهی ساسانی بدست تازیان، چنین خلاصه کرد: «تصرف امپراتوری بزرگ ساسانی توسط اعراب در اجرای طرح حساب شده و از پیش بررسی شده ای صورت نگرفت، بلکه به صورت یک شبیخون کلاسیک و با هدف سنتی غارتگری و غنیمت گیری آغاز شد، و فقط موفقیت مافوق انتظار این شبیخون ها بود که کارگردانان آنها را به عملیات گسترده تر و بکار گرفتن نیروهایی بیشتر تشویق کرد. به عبارت دیگر باز بودن در خانه بود که دزد را به درون آن خواند.»

ارتشی که دستگاه خلافت به حیره فرستاده بود، در بخش اعظم خود از اعرابی تشکیل شده بود که اصولاً مسلمان نبودند و طبعاً نفعی در جنگیدن بخاطر اسلام نیز نداشتند. مثنی ابن حارث الشیبانی، رهبر قبیله راهزن بنی دائل که با شبیخون های گاه بگاه خود به سرزمینهای ایرانی مجاور شهرتی در این زمینه بدست آورده بود از ابوبکر خواست که این بار برای او مأموریتی رسمی از جانب حکومت مدینه قائل شود، با این امید که فرماندهی این مأموریت به خود او واگذار شود، ولی ابوبکر با قبول این خواست خالد بن ولید را به نمایندگی قانونی خلافت برای نظارت بر این عملیات راهزنی و غنیمت گیری به حیره فرستاد.

سه‌می از غنائم حاصله که به مدینه فرستاده شد، اولین بخش از غنایمی بود که میباشد بعد از سراسر ایران به بیت المال مسلمانان سرازیر شود. و درست همین سلسله قدم بقدم شبیخون ها و غنیمت گیریها بود که به رویارویی بسیار بزرگتری بنام قادریه منتهی شد.»

ارزیابی پژوهشگر فرانسوی در همه سالهای بعدی قرن بیستم از جانب محققان غربی دیگری که در همین زمینه بررسی کرده اند مورد تأیید قرار گرفت. مهمترین این ارزیابی ها، نتیجه گیری لئونه کائنانی در بررسی مشروح او در جلد های دوم و سوم سالنامه های اسلام است: «فکر تجاوز به ایران از مدینه نیامد، بلکه از جانب اعرابی آمد که از سالها پیش در مرزهای این امپراتوری میزیستند. خلیفه خالد بن ولید را فقط

بدین دلیل نزد آنان فرستاد که از یکسو قدرت خلافت را، ولو بصورت ظاهر، ثبیت کرده باشد، و از سوی دیگر پرداخت سهم حکومت مرکزی از محل غنائمی که ممکن بود بدست آید تضمین شود، ولی بیش از این نمیتوانست کاری انجام دهد، زیرا در غیر اینصورت امکان اداره بادیه نشینانی را که تنها بدنبال کسب غنیمت بودند نمییافت. از جانب دیگر اعراب بدوى نیز ترجیح میدادند که در عملیات غارتگرانه آینده خود از مشروعیتی که خلافت بدانها میداد برخوردار باشند تا اینکه صرفاً بصورت راهزنانی اقدام کنند. ترکیب منافع سیاسی حکومت مدینه و منافع مادی اعراب بدوى، خواه ناخواه دستگاه خلافت اسلامی را به جنگ با امپراتوری ساسانی کشانید. با اینهمه تأکید قاطع بر این واقعیت ضروری است که نه دستگاه خلافت و نه بادیه نشینان عرب هیچکدام برنامه‌ای برای جهانگشایی نداشتند، و تنها چیزی که مورد نظرشان بود حمله‌ای غارتگرانه از نوع شبیخون‌های همیشگی قبایل عرب، منتها این بار سازمان یافته‌تر و در ابعادی گسترده‌تر بود.^۱

در معروفترین اثر تحقیقی بعد از سالنامه‌های اسلام کائنانی یعنی در «تاریخ اعراب»، Ph.K. Hitti مورخ عرب و استاد دانشگاه کلمبیا بنوبه خود بروزسیهای خودش را در این دو جمله کوتاه خلاصه میکند که «هدف واقعی اعراب از حمله به ایران، دست کم در دوران دو خلیفه اول، غارت و غنیمت بود و نه براندازی شاهنشاهی ایران، و بعد از آن نیز این هدف تبدیل به استقرار پایدار عرب در ایران برای بهره گیری مادی شد و در هر دو مورد مسئله مذهبی سهم پائین تری از اهمیت را داشت».^۲

مورخان اسلامی، خودشان به صورتهای مختلف بر این واقعیت تأکید نهاده‌اند:

«در جنگ جلو لا بر اثر پایداری سخت ایرانیان چندان از آنان کشته شدند که اجسادشان نیمه دشت را بپوشانید، و از این رو بود که این جنگ

۱. Annali dell' Islam در Leone Caetani - ۱، ج ۲، ص ۹۳۰ به بعد.

۲. History of the Arabs در P.K. Hitti - ۲، ص ۱۴۳.

جلوگاه (پوشیده) نام گرفت^۱

«شمار مردان و زنان و مخصوصاً نوجوانانی که پس از جنگ جلوگاه به اسیری درآمدند و برای فروش به بازارهای بردگه فروشان مکه و مدینه فرستاده شدند چندان زیاد بود که خلیفه عمر نگران شد و گفت: خدایا، از شر فرزندان جلوگاه، به تو پناه میبرم». ^۲ سعید نفیسی در تاریخ اجتماعی خود براساس مدارک مختلف این رقم را ۱۳۰ هزار نفر برآورد کرده است.

از جمله غنائمی که سعد بن ابی وقاص در مدائن (تیسفون) بدست آورده بود ابریشمین به مساحت ۶۰ گز در ۶۰ گز، مرصع به زمره و بلور و یاقوت سرخ و یاقوت کبود، و میوه‌ها از گوهرهای آبدار، و آنرا بهارستان نام بود. سعدابن ابی وقاص چون از قیمت گذاری این فرش عاجز ماند آنرا بر اموال خمس اضافه کرد و به مدینه فرستاد، و با بتبقیه غنایم هر سواری را ۱۲۰,۰۰۰ درهم حاصل آمد. چون اموال خمس به مدینه رسید امیر المؤمنین عمر فرمود تا فرش را قطعه قطعه کردنده، و قطعه‌ای از آن که نصیب علی این ابیطالب شد توسط آن جناب به ۲۰,۰۰۰ درهم بفروش رسید.^۳ نکته جالبی که فیشلر محقق آلمانی در این مورد متذکر شده این است که در گزارش ارسالی سعد ابی وقاص برای خلیفه عمر از ماجراهای فتح تیسفون، از همه چیز سخن رفته است بجز موضوع تنفيذ اسلام در میان ایرانیان، چنانکه گویی اساساً این موضوع در برنامه کار اعراب مهاجم جایی نداشته است. تیسفون به مدت چند روز پیاپی غارت شد، و ساکنان آن یا کشته شدند و یا به عنوان برده به عربستان فرستاده شدند. بهای غنائم را مسعودی در مروج الذهب دو هزار کرور (یک میلیارد) درهم و پتروفسکی در کتاب اسلام در ایران «زياده بر نهصد میلیون درهم» برآورد کرده‌اند.

۱ - تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۸۰۲، فتوح البلدان، ص ۵۶

۲ - اخبار الطوال، ص ۱۲۱.

۳ - حبیب السیر، ج ۱، ص ۴۸۱.

۴ - Aischa, Muhammads Lieblingsfrau در کتاب K.R. Fischler

«دلیلی در دست نیست که محمد به جهانگشایی با شمشیر و ضیت کرده باشد. بسیاری از صاحبینظران بر این عقیده‌اند که این سیستم خلافت بود که اصل موعظه حسن را به کشتار و غارت تبدیل کرد. این انحراف با هجرت محمد از مکه به مدینه صورت نگرفت، بلکه پس از وفات او صورت گرفت.» (Die tradition über das Leben Muhammads Th. Nöldeke)

«شگریانی که پیروزمندانه از جنگهای «رده» بازگشته بودند پیوسته خواهان غنائم بیشتری بودند، و ابوبکر از این بابت با مشکلی مواجه بود که اساس قدرت او را مورد تهدید قرار میداد. تنش در عربستان به اوج خود رسیده بود، و تردیدی نبود که اگر خلیفه از لژیون‌های پیروز خویش میخواست که سلاحهایشان را کنار گذارند و به مشاغل پیشین خود بازگردند خود را با خطر زد خوردهای شدید داخلی روبرو می‌ساخت، زیرا بیش از نیمی از افراد خلافت اسلامی او در آن هنگام از قبایلی تشکیل می‌شدند که هنوز سراپایشان از جنگهای رده خونین بود، و سنگینی یوغ حکمرانی فاتحان را در گرمگرم دوران شکست عمیقاً احساس می‌کردند. فرستادن این عناصر خطرناک به بیرون از مرزهای شبه جزیره عربستان و مشغول داشتن آنان به تلاشی که انتظار میرفت هم آسان و هم پربرکت باشد و بخصوص غنائم بسیار نصیبیشان کند، و از این راه احساس تحقیر ناشی از شکست را از یادشان ببرد، بهترین راه حلی بود که در برابر خلیفه قرار داشت. نتیجه این شد که هم مسلمانان قدیمی و هم نومسلمانان مصلحتی، صرفاً به دلایلی اقتصادی عقده‌ها و خرده حسابهای دیرینه با یکدیگر را کنار گذاشتند و با کشش مقاومت ناپذیر جنگ و غارت به همدیگر پیوستند. قبول اسلام از جانب این نورسیدگان مطلقاً گرایشی مذهبی به مفهوم سنتی آن نبود، توافقی «نظمی - سیاسی» در راه اجرای برنامه غنیمت گیری بود.» (Das Arabische Reich und seine Sturz J. Wellhausen)

* * *

«سلسله فتوحات با شبیخون هایی ساده و بدون اندیشه جهانگشایی

اسلامی، توسط اعرابی آغاز شد که ما به خط آنان را رزمندگان اسلام میخوائیم، زیرا در آن هنگام بخش اعظم این رزمندگان هنوز در بت پرسشی پیشین خود پای بر جا نبودند. در بازه ترکیب سپاهیان خالدین ولید اطلاعات ما چندان زیاد نیست، ولی کلیه اسناد موجود نشان میدهند که شمار مسلمانان اصیل، یعنی آنهایی که همراه خالد از مدینه آمده بودند در این سپاه بسیار محدود بود، بطوریکه حتی ده درصد از مجموع نفرات را نیز شامل نمیشد. این نیز مسلم است که اگر اینان از آشفتگی فراگیری که در آن زمان بر شاهنشاهی سasanی حکم‌فرما بود به حد کافی آگاهی داشتند حمله بزرگ خود را برای غنیمت ستانی همانوقت آغاز میکردند و سه سال در انتظار نمیماندند. این سه سال شاید میتوانست برای این امپراتوری در حال زوال فرصتی مساعد جهت آمادگی و بسیج باشد، زیرا روی کار آمدن یزدگرد سوم در همین زمان، نشان میداد که سرانجام طبقات مسخ شده اشرف و روحانیت به ضرورت جستجوی یک راه حل نجات بخش برای کشور بیمار خود پی برده بودند، ولی از دیدگاه واقع بینی فرصت بكلی از دست رفته بود و نیروی حیاتی بیمار به چنان تباہی کشیده شده بود که دیگر امیدی برای نوشدارو نمانده بود. (The Life of Mahomet Sir William Muir در کتاب

«رهبری اسلامی محمد با آنکه بصورت یک رفرم مذهبی آغاز شده بود در جریان عمل به صورت یک حکومت عمدتاً سیاسی در آمد. قبایلی که اکثر آبا جنگ و بخشی از آنان نیز به خاطر فرصت طلبی و بهره گیری از شرایط تازه به جبهه مسلمانان پیوسته بودند هیچگونه احساس مذهبی نداشتند و اصولاً نسبت به هر نوع انگیزه دینی می تفاوت بودند، بخصوص هیچ نشانی از آنچه امروز از جانب ما fanatisme نام گرفته است در نزد آنها دیده نمیشد. آن موزخان معاصر که اعراب بادیه نشین فاتح جنگ با ایرانیان یا بیزانسی ها را متعصبانی مذهبی معرفی میکنند که بخاطر شور و ایمانشان خود را بی محلبا به آغوش مرگ می افکندند، نوع احساساتی را که خاص ناسیونالیسم ها و ایندولوژی های امروزی است به قرن اول هجری و به بادیه نشینان آنروز غربستان منتقل میکنند بی آنکه

شرایط فکری و اجتماعی این جوامع را در سیزده قرن پیش در نظر بگیرند. جنگجویان عرب که فتوحات اسلامی را آغاز کردند تقریباً بطور انحصاری از بدویانی تشکیل شده بودند که در دوران زد و خوردهای خونین رده به قبایل شکست خورده تعلق داشتند و پس از شکست خود در برابر نیروهای اعزامی حکومت مدینه بطور داوطلبانه در سپاهی که این حکومت برای جنگ در بیرون از مرزهای عربستان گردآوری میکرد عضویت جستند چنین افرادی که تا چند ماه پیش از آن علیه اسلام جنگیده بودند نمیتوانستند یک شبه تبدیل به سلحشوران از جان گذشته آیین تازه شده باشند. آنچه واقعاً آنان را به شرکت در جنگهای تازه تهاجمی برمی انگیخت عشق به غارت و غنیمت بود که این بار مجوزی شرعی نیز دریافت داشته بود.» R. Döllinger در کتاب Muhammad's (Religion

«بیگمان در جمع مسلمانان کسانی هم بودند که یا از روی احساسی مذهبی و یا بخاطر کشش عاطفی نسبت به شخص پیامبر در مقام پیشوای مراد محبوشان در خط یک گرایش مذهبی قرار داشتند، ولی اینان اقلیت محدودی را تشکیل میدادند در شرایطی که به نوشته ابن سعد تازیان در هنگام فتح ابله در نزدیکی بصره آن اندازه غنائم بدست اوردند که به سگهای خود نیز در ظرفهای زرین و سیمین غذا میخورانیدند. خواننده گزارش این تاراج‌ها، از آگاهی بر اندازه ثروت‌های هنکفتی که این جنگجویان وارسته میان خود تقسیم کردند و آنچه در دهه سوم تاریخ اسلام نصیب پرهیز کاران درجه اول این آیین گردید سرگیجه میگیرد. اینان املاک وسیع و روستاهای بزرگ را به مالکیت خویش درآورده‌اند، چه در سرزمین خود و چه در کشورهای گشوده شده از برای خویش خانه‌های مجلل ساختند و همه گونه وسیله خوشگذرانی را برای خود گرد آورده‌اند. آنچه از چیاولهای زمان جنگ و مواجب زمان صلح به جنگجویان و مؤمنین رسید بدیشان اجازه گردآوری چنین دارایی‌های بزرگ را میداد، چنانکه به هر سوار از سربازان عبدالله بن ابی السرح در جنگهای افریقای شمالی به

روزگار خلافت عثمان سه هزار مثقال زر ناب رسید.
برترین انگیزه‌ای که تازیان را به گشودن کشورها برانگیخت، آزمندی
مادی بود که ابن سعد نمونه‌های متعددی از آنرا در «طبقات» خویش ارائه
کرده است. این درست با وضع اقتصادی عربستان نیز ارتباط داشت که
مردمش را به مهاجرت از سرزمین خشکی زده خود و راه پافتان به
سرزمینهای حاصلخیز همسایه فرامیخواند. تازیان از آن جهت به دین نوین
روی خوش نشان دادند که بتوانند آنرا وسیله پیروزیهایی قرار دهند که نیاز
اقتصادی آنان آنها را ایجاد میکرد. بدین ترتیب آن تحول ناگهانی که امور
اسلام به سبب آن رنگ نوینی بخود گرفت، موجب شد که دین تازه از همان
آغاز اندیشه پارسایی و قناعت را که در بدو کار راه و روش خود شناخته بود
به دور افکند و در عوض رو به امتیازات دنیایی و آرزوهای مادی بیاورد که
خیلی بهتر میتوانستند شور همکاری را در پخش آیین محمدی برانگیزانند،
تا آنجا که از همان دوره بعد از محمد گفته شد که در زمان پیامبر ما تنها به
فکر آخرت بودیم و چندان به دنیا نمی‌اندیشیدیم، اما امروز دنیا نیز به
اندازه آخرت ما را به خود کشیده است. آن گنج‌ها که از کشورگشایی‌ها و
غارت‌ها انبائش میشدند دیگر برای آن فراهم نمیشدند که در راه خدا صرف
شود، بلکه کشورگشایان در درجه اول دارایی‌های سرشاری را که به
سویشان سرازیر شده بودند برای خوشگذرانی خودشان و نه برای آخرت
میخواستند. از سهل شوستری صوفی نام آور نقل کرده‌اند که «نادرست
است که آدمی زهد را در دوری از زنان بجوید، زیرا که پیشوای نیایشگران
پیامبر بود که خودش زنان را بسیار دوست میداشت»، و از پارسای بزرگ
عبدالقادر گیلانی مثال آورده میشدند که او را ۹۴ فرزند بود. عبدالوهاب
شعرانی ثواب مجامعت را با نماز خواندن برابر میدانست و طبقات ابن سعد
دعای آن پارسایی را در خانه کعبه نقل میکرد که از خداوند میخواست به
وی توانایی آن دهد که صبح تا شام قرآن بخواند و شام تا صبح با زنان
مقاربت کند». (Vorlesungen über den Islam 1. در کتاب Goldziher).

«کوشش فرماندهانی که به چهار سوی جهان گسیل شدند تا پرچم دولت اسلامی را برافرازند، در درجه اول متوجه مقرراتی بود که بر قدرت دولت می‌افزود و به نام مذهب اجازه چاپیدن آنچه را که با شمشیر به نفع قوم عرب گرفته شده بود بدانها میداد: اینان در مسائل مورد اختلاف به هر نوع که مصلحتشان اقتضا میکرد عمل میکردند و نه به آنچه الزاماً با مذهب سازگار نیامد، چنانکه به نوشته الموطا فتاوی فرمایشی عبدالملک و دیگر خلفای اموی را بر فتاوی خلفای راشدین مرجح میشناختند.» (H.A.R. Gibb در کتاب *Studies on the Civilization of Islam*)

«با سرکوبی رده، عصیان قبایل عرب در برابر خلافت فروکش کرده بود، ولی افراد این قبایل همچنان ناراضی و خشمگین باقی مانده بودند. بیابان نشینان بدیع میخواستند مانند گذشته آزادانه در صحراهای پنهانور و بی در و پیکر خود رفت و امد کنند و اندیشه اطاعت از حکومت مدیشه و بخصوص پرداخت مالیات بدین حکومت مورد نفرتشان بود. آنچه اینان را با خلافت مربوط نگاه میداشت ترس از قدرت نظامی آن بود. پاسخ این سوال که آیا ایمان اسلامی و ارزش‌های آن میتوانستند وزنه متقابلی در برابر این ناراضایی‌ها بشمار آیند چندان امید بخش نبود. زیرا مسلم بود که گرایش مذهبی سست این بادیه نشینان در کوتاه‌زمانی از میان خواهد رفت و زور و ترس نیز مدت زیادی نخواهند توانست این قبایل پراکنده شبه جزیره عربستان را که تا آن‌زمان پیوسته جدا از یکدیگر زیسته بودند بصورت ملت واحدی بیکدیگر پیوند دهند. عربستان فقیر جنوبی نسبت به شمال ژئومند حسادت میورزید. بدیان بیابانگرد از شهرنشینان متغیر بودند. هر قبیله‌ای با دیگر قبایل همسایه خود سابقه رقابت‌ها و دشمنی‌های دیرینه‌ای را داشت که در گذشته همواره با قانون خون و قصاص حل و فصل میشد، و با پاگرفتن اسلام حسادتها و خصومتهای متقابل مکه با عربهای جنوبی ساکن آن و مدینه با عربهای شمالیش بر این همه افزوده شده بود. حتی در خود دارالایمان مدینه قبیله اوس با قبیله خرج و هر دوی آنها با انصار ناسازگاری داشتند. در همه احوال، تنها قدرتی که

یک بدوی میتوانست - و آنهم تا حد محدودی - وجود آنرا بر بالای سر خود بپذیرد قدرت رئیس قبیله خودش بود، بزای او آزادی مرادف بازنگی بود و در عوض هیچ چیز برایش تحمل ناپذیرتر از فرمانبرداری از یک قدرت مرکزی نبود در چنین شرایطی مسلم بود که اگر هیچ عامل بروني تازه‌ای پا به میدان نگذارد این بدویان سرکوب شده خیلی زود بوج اسلام را بدور خواهد افکند و عربستان به وضع پیشین خود باز خواهد گشت. از خوشبختی اسلام، کوتاه مدتی پس از پایان جنگهای رده این عامل بروني بصورت دورنمای فکری تازه‌ای سراسر عربستان متعدد شده را تکان داد و بدان نیروی ناشناخته‌ای بخشید، زیرا نخست در کلده و سپس در سوریه برخورد قبایل برونمرزی عرب با نیروهای مرزی ایران و بیزانس نخستین جرقه‌های یک جنگ خارجی را برافروخت، و مقدمه‌ای بر این شد که سراسر عربستان، اعم از شهرنشینان و بدویان آن با جهشی یکپارچه و با انگیزه مشترک غارت و غنیمت، منتها این بار بنام اسلام، بجانب ژوپنهای بیحساب دو امپراتوری بزرگ ایران و روم سرازیر شوند.

این جنگهای برونمرزی در مراحل نخستین درست توسط همان بدویانی انجام گرفت که تا چندی پیش از آن جنگجویان اصلی «رده» ضداسلامی بودند. بدین ترتیب بود که موجی از پس موجی دیگر از نفرات قبائل همراه با زنان و فرزندانشان سرزمین‌های آبا و اجدادی خود را برای شرکت در جنگها ترک گفتند و در اشتیاق غنیمت گیری به سوی شرق و غرب سرازیر شدند.

(D.S. Margoliouth در کتاب Mohammed and the Rise of Islam)

«برداشتهای مذهب گرایانه مورخان مسلمان از جهانگشایی اسلامی، آنطور که آنها را در تواریخ و منابع عربی منعکس می‌توان دید، می‌کوشند تا فتوحات مسلمانان صدر اسلام را کاملاً یا عمدهاً مبتنی بر انگیزه‌های مذهبی و انسود کنند و به انگیزه‌های اقتصادی در آنها جای ندهند. بسیاری از مسیحیان نیز در طول قرون جنگجویان عرب صدر اسلامی را مسلمانانی توصیف کرده‌اند که در یکدست قرآن و در دستی دیگر شمشیر داشته‌اند. با اینهمه، از همان آغاز درک مشترک همه «أهل کتاب» یعنی مسیحیان و یهودیانی که در بیرون از شبه

جزیره عربستان میزیستند، این بود که برای این رزمندگان عرب میان قرآن و شمشیر انتخاب ثالث بسیار مطلوبتری نیز وجود داشته و آن جاذبه «غنیمت» بوده است، بخصوص وقتیکه این تحصیل غنیمت نه تنها بصورت اجازه ای، بلکه بصورت حقی مشروع برای آنان منظور شده باشد. واقعیت این است که آنچه اعراب بدouی را - که اکثریت سلحشوران عرب از میان آنها دستچین شدند - از بادیه های بی آب و علفشان به اراضی سرسبز و حاصلخیز بیرون عربستان کشانید بسیار بیشتر از تعصب مذهبی انگیزه های مادی بود. دورنمای زندگی بهتری در دنیایی دیگر بیگمان برای کسانی از آنان دورنمایی پرجاذبه بود، ولی برای بسیاری دیگر برخورداری از تنعمات و تجملات سرزمینهای متمدن و ثروتمند «هلال خضیب» در همین دنیا جاذبه خیلی بیشتری داشت. این عامل اقتصادی در ارزیابی های مربوط به عوامل مختلف جهانگشایی اسلامی، که در دوزان معاصر از جانب محققانی بسیار سرشناس چون کاثانی و بکر بصورت گسترده ای مورد تحلیل قرار گرفته است، برای خود تاریخ نویسان مسلمان نیز در قرون اولیه اسلامی امری ناشناخته نبود، چنانکه فی المثل بلاذری، دقیق ترین واقعی نگار فتوحات عرب، در فتوح البلدان خود تصریح میکند که ابوبکر در مورد گردآوری قوا برای حمله به شام به مردم مکه و طائف و یمن و نیز اعراب نجد و حجاز نوشت که در امر آمادگی برای جهاد اسلامی شتاب کنند، زیرا غنائم فراوانی در انتظار آنها است. شعری از «ابوتمام» شاعر معروف دوران صدر اسلام، خطاب به یک رزمنده عرب، جو فکری آن زمان را بخوبی منعکس میکند: «... نه تنها بخاطر بهشت نبود که تو زندگی بادیه نشینی را کنار گذاشتی و بسراغ شمشیرزنی رفتی، بخاطر این بود که این شمشیرزنی نان و خرمای فراوانتری را نصیبت میکرد». ^۱ (History of the Arabs Ph. K. Hitti).

۱ - ابوتمام الطائی شاعر نامی آغاز قرن سوم هجری (۲۲۸-۱۹۰) که او را «نبی الله فی الشعیر» لقب داده اند، سراینده «حماسة ابی تمام» است که چندین بار در لکنهو و قاهره و بیروت و در سال ۱۸۴۶ توسط Rückert همراه با ترجمه آلمانی آن در اشتونگارت و در سال ۱۹۱۲ توسط A. Krimsky در مسکو بچاپ رسیده است.

برای درک واقع بینانه تاریخ صدر اسلام، میباید در نظر گرفت که گسترش اسلام، برخلاف آنچه در مورد مسیحیت روی داده بود، از راه نفوذ تدریجی و آهسته ولی پیگیر این آین در داخل جامعه امپراتوری بزرگی که گفته میشد قصد تجاوز به حاکمیت آنرا ندارد صورت نگرفت، بلکه خود صورت یک «امپراتوری در حال بنیانگذاری» از راه تصرف اراضی دیگران و به زیر فرمان درآوردن ساکنانشان وارد میدان شد. در باره علی پیروزی هایی که در مدتی کوتاه به تشكیل یکی از بزرگترین امپراتوریهای تاریخ بر ویرانه های امپراتوری های کهن ایران و رم انجامید بحث بسیار شده است، که شور مذهبی جنگجویان مسلمان از مهمترین آنها است، ولی از یاد نباید برد که از همان آغاز کار اسلامیت و عربیت در نزد این رزمندگان مفهوم واحدی یافته بود و در زیر لوای اسلامی، نهاد «امپریالیسم عرب» بود که استقرار مییافت، همراه با اساس زیربنایی هر امپریالیسم، یعنی استثمار اقتصادی مردمی که به عنف یا به تدبیر بصورت اجزاء امپراتوری درمیآمدند. شاید اظهار نظر پاپ لئون ششم که اعراب تنها با انگیزه کسب غنیمت و علاقه وحشیانه به جنگ و کشتار به پیروزیهای خود دست یافتند مبالغه آمیز باشد، ولی حتی راویان مسلمان جنگهای رده برای ما نقل کرده اند که خلیفه ابوبکر وقتیکه قبایل سرکوب شده این جنگها را به گرد آمدن مجدد برای حملات جنگی در خارج از عربستان فرا میخواند، بجای اینکه سخن از پیکار در راه صدور اسلام به سرزمینهای همسایه بمیان آورد، با آنان از ثروتهای هنکفتی که در نزد این همسایگان در انتظار آنها است سخن میگفت. (Die Himmelseis Muhammads در مقاله تحقیقی R. Hartmann (in der Religion des Islams.

آین جهانی یا آین عربی؟

نخستین باری که در سلسله بررسیهای مذهبی دوران روشگری اروپا بصورتی روشن بر نظریه رسالت اختصاصی محمد برای قوم عرب تأکید نهاده شد، در اثر مفصل Sir William Muir محقق انگلیسی قرن نوزدهم بنام «زندگانی محمد و تاریخ اسلام از آغاز دوران هجرت» بود که در فاصله سالهای ۱۸۵۸ تا ۱۸۶۱ در لندن بچاپ رسید. در این کتاب به شیوه طبری و ابن الاتیر وقایع سالهای مدینه و سالهای بعد از آن بصورت سال به سال مورد ارزیابی قرار گرفته اند و این روشی است که در سالهای آغاز قرن بیستم از جانب لئونه کائنانی در تدوین «سالنامه های اسلام» او نیز مورد پیروی قرار گرفته است. بخش کوتاهی از آنچه «مویر» در این راستا نوشته است چنین است:

«این ادعا که جهانگشایی عرب بقصد گسترش اسلام بر جهان صورت گرفت، اسطوره ای است که مدتی بعد از درگذشت محمد ساخته شد، زیرا در زمان خود محمد اساساً سخنی از تنفیذ اسلام در بیرون از عربستان در میان نبود. دنیاًی اسلامی محمد فقط جزیره العرب را شامل میشد و این موضوع در همان نخستین ایام ابلاغ آیین تازه به صراحت در قرآن مورد تذکر قرار گرفته بود: «... و ما این قرآن عربی را بصورت وحی بر تو فرستادیم تا مردم ام القری و پیرامون آنرا هشدار دهی و آنرا از روزی که در آن گروهی به بهشت و گروه دیگر به دوزخ خواهند رفت آگاه سازی» (شوری، ۵). از آن پس تا به آخر کار، طرف خطاب محمد عربها، و منحصرآ عربها بودند. در آیه هایی که بعداً در باره جنگ علیه مشرکان و یهودیان و مسیحیان عربستان نازل شد نیز هیچ جا اشاره ای به رویارویی با پیروان این مذاهب در خارج از عربستان در میان نبود و همه آن آیات صرفاً به ساکنان خود این سرزمین مربوط میشدند. همینطور در سخنان حجۃ الوداع پیامبر خطاب به مردم قبایل مختلف عرب مخاطبان پیامبر منحصرآ خود اعراب بودند که محمد حجۃ خویش را بر آنها تمام شده دانست. در آخرین

سخنان محمد پیش از درگذشت او، از جانشینانش خواسته شده بود که مراقب باشند در سرزمین عرب جز یک ایمان واحد برقرار نباشد. بدتر یک آین جهانی میتوانست از همانوقت کاشته شده باشد، ولی به ثمر نشستن آن فرع آمده شدن شرایط مناسب بعدی بود و نه طرحی که از پیش تنظیم شده باشد. حتی خلیفه عمر، پس از نحس‌تین پیروزیهای سپاه عرب در بین النهرین، وقتیکه سعدین ای وقاری برای کسب اجازه ادامه پیشرفت قوای عرب در داخل ایران از او کسب تکلیف کرد، پاسخ داد که: خواست من این است که میان سپاهیان ما در عراق و سرزمینهای آنسوی جبال، کوه‌هایی که حائلند دیواری باشند که برای همیشه راه تجاوز ما را به فارسی‌ها و راه تجاوز فارسی‌ها را به ما سد کنند، زیرا جلگه عراق از نظر تأمین خواستهای ما، ما را بس است و اعراب را به پیروزیهای تازه نیازی نیست.

این وقتی بود که هنوز موضوع یک رسالت جهانی اسلام از راه جهاد مقدس به خاطر مسلمانان خطور نکرده بود. البته وقتی که رویکون در نور دیده شد^۱، پیامدهای آن که در سالهای بعد بصورت جهانگشایی اسلامی شکل گرفت قابل پیش‌بینی بود، زیرا خوب غنیمت جویی بادیه نشینان عرب اکنون میتوانست با شعارهای نوخاسته اسلامی درآمیزه و دوشادوشن رود، و دعوت به جنگ که در سالهای فتوحات بعدی «جهاد» نام

۱ - برای آگاهی خوانندگانی که ممکن است با مفهوم این اشاره آشنا نباشند، توضیح داده میشود که در دوران باستانی جمهوری رم، بخاطر پاسداری از اساس جمهوریت و دمکراسی قانوناً مقرر بود که لژیون‌ها و سرداران رومی که از جنگهای جهانگشایی یا آرام‌سازی بروئمرزی به رم بازمی‌گردند، پیش از گذار از رودخانه Rubicon (در شمال شبه جزیره ایتالیا) با سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی خود در این باره از سنای رم کسب اجازه کنند و اگر چنین اجازه‌ای داده نشود بدون این سلاحها از رودخانه بگذرند. این قانون با گذشتن بی اجازه لژیونهای ژول سزار در بازگشت از سفر پیروزمندانه فتح گل (فرانسه) در شب ۱۲ ژانویه سال ۴۹ پیش از میلاد مسیح زیر پا گذاشته شد، و همین امر جنگهای داخلی چندین ساله‌ای را برانگیخت که اعلام امپراتوری و بدنبال آن کشته شدن سزار را بدنبال آورد. اصطلاح «عبور از رویکون» بعداً بصورت ضرب المثل درآمده است.

گرفت این بار در عربستان همراه با توجه به غنائی فزون از حسابی که این جنگها همراه می‌آورد طبیعی پرشورتر و پذیرفتنی تر بیابد».

* * *

یک ثلث قرن بعد از محقق انگلیسی، پژوهشگر سرشناس آلمانی Hubert Grimme (جلد اول: محمد و زندگانی او؛ جلد دوم: نگرشی در قرآن و سیستم الهیاتی آن) که کائنانه در سالنامه‌های اسلام خود آنرا اثر درجه اولی در تاریخ مطالعات اسلامی قرن نوزدهم دانسته است، همین موضوع را با موشکافی کاملتری مورد ارزیابی قرار داد. در این ارزیابی، وی با تحلیل آیات متعدد قرآنی که به گفته او بعدها آنطور تعبیر شده‌اند که مفسران و فقهای دستگاه‌های خلافت می‌خواسته‌اند و نه بدانصورت که در اصل معنی میداده‌اند، متذکر شده است که در همه اشاراتی که در این آیات به «مؤمنون» صورت گرفته فقط مسلمانان خود عربستان مورد نظر بوده‌اند، کما اینکه اشارات مربوط به مشرکون و مبارزه با آنان که بعداً دستاویر جهانگشایی‌های اعراب قرار گرفت در نفس الامر تنها بت پرستان قریش و قبایل مشرک داخل شبه جزیره عربستان را شامل می‌شد. به همین دلیل Maghribi اینکه ارسال نامه‌های محمد به پادشاهان و حکام خارجی را نیز افسانه‌ای میداند که بعد از آغاز فتوحات توسط دستگاه خلافت ساخته و پرداخته شد، زیرا اصولاً منطقی نبود که پیامبر در شرایط سال ششم هجری که وی هنوز در داخل مدینه نیز سیاست مسلمی نداشت دست به چنین اتمام حجتی در خارج از عربستان آنهم خطاب به مقدرترين امپراتوران جهان آنروز بزند. بر این موضوع بخصوص بعداً توسط کائنانی و دیگران تأکید بیشتری گذاشته شده است.

* * *

با وجود ارزیابیهای جامع محققان قرن نوزدهم، جامعترین بررسی‌ها را در این زمینه در دوره ده هزار صفحه‌ای «سالنامه‌های اسلام» Leone Caetani در آغاز قرن بیستم می‌توان یافت. این بررسی‌ها را که در چندین

جلد سالنامه ها پراکنده اند، میتوان در این نتیجه گیری کلی خود او در جلد سوم این مجموعه خلاصه کرد:

«محمد هیچ وقت خودش را پیامبر بزرگزیده خداوند برای تمام جهانیان اعلام نکرد، همانطور که پیش از او نیز هیچ پیامبر دیگر چنین نکرده بود، به همین دلیل در هیچ جای قرآن موردی نمیتوان یافت که در آن صراحةً بر وجود چنین رسالتی تأکید گذاشته شده باشد، در صورتیکه لاقل در دو مورد بطور آشکار رسالت وی در نزد مردم ام القری (مکه) مورد تذکر قرار گرفته است (انعام، ۹۲؛ سوری، ۷). از همه ارزیابی ها چنین نتیجه گیری میتوان کرد که توجه محمد در تبلیغ رسالت مذهبی او به شبه جزیره عربستان محدود میشد، زیرا وی بدین اصل بنیادی آیین یهود که در قرآن نیز منعکس شده است معتقد بود که خداوند هر پیغمبری را برای قوم معینی بر میگزیند. در مورد خاص محمد میباید توجه داشت که مرگ زودرسی که نابهنجام به سراغ او آمد، در شرایطی که حتی خود عربستان نیز تماماً نه به آیین وی گرویده بود و نه به زیر فرمان او درآمده بود، جایی برای دست زدن به فعالیتها بی تازه و خطرنگ در بیرون مرزهای شبه جزیره باقی نگذاشته بود، و بفرض هم که در این راستا کاری در نظر گرفته میشد از مواردی چون مؤته در سال هشتم و تیوک در سال نهم هجری یا عملیات انتقامی محدود چون ماجراهی اسامه در سال ۱۱ هجری نمیتوانست فراتر رود. تنها آیه ای از قرآن که میتواند در صورت کلی آن به رسالت مافق قومی تعبیر شود، آیه نهم سوره صف است که: «او است خدایی که پیامبرش را برای هدایت به کیش حق فرستاد تا بر کیشها دیگر چیره شود، ولو آنکه این امر مشرکان را ناخواهایند آید»، و اتفاقاً این آیه با اشاره روشنی که به «مشرکون» دارد، بیانگر این است که در اشاره به خود اعراب گفته شده است و اشاره آن به دینهای دیگر اشاره به معتقدات بت پرستانه داخل عربستان است که شمار آنها شمار بت ها بود، و نه اشاره به آینهای توحیدی بیرون از عربستان که خود قرآن آنها را منزل از سوی خداوند دانسته بود. موضوع

رسالت سراسری پیامبر اسلام برای همه جهانیان، به تذکر کائنانی فقط در پایان قرن اول هجری یعنی تقریباً یکصد سال پس از درگذشت خود و در حدیثی مجعلو مطرح شد، زیرا در آن زمان گسترش فوق العاده متصرفات عرب ایجاد میکرد که بدین جهانگشایی مشروعیتی مذهبی داده شود، یعنی تثبیت شود که محمد و قوم عرب رسالتی برای رستگاری همه پشریت و نه تنها برای قوم عرب داشته اند. این حدیث مجعلو در چهار جای صحیح بخاری (ج ۱، ص ۱۴ از زبان ابن عمر، ص ۹۲ و ۱۲۱ از زبان جابر بن عبد الله، و ص ۱۱۱ از زبان انس بن مالک) نقل شده و از آن پس بطور یکنواخت در دیگر کتب حدیث و در تفسیرهای بعدی تکرار شده است. بدین موضوع طبعاً ایرادی نمیتوان گرفت، زیرا به تعبیر Hubert Grimmie طبیعی است اگر یک امپریالیسم سیاسی، امپریالیسمی مذهبی مبتنی بر جهان شمولی اسلامی را نیز برای تحکیم خود بهمراه بیاورد، و درست در همین راستا است که میتوان انگیزه افسانه ساختگی دیگر در باره نامه های ارسالی از جانب محمد به پادشاهان و زمامداران بیرون از عربستان را نیز توجیه کرد. در همین زمینه، این تذکر C. Becker در Islamstudien او جالب است که: «کلیه احادیث مربوط به تثبیت این ماهیت جهانی از قرن دوم هجری بعد ساخته شد، و طبعاً غلو معمول نیز از جانب مورخان اسلامی در مورد آنها بکار رفت، چنانکه در حدیثی که توسط ابن حجر الهیشمی بتفصیل مورد بحث و تفسیر قرار گرفته، قلمرو پیامبری محمد نه تنها از انسانهای روی زمین فراتر رفته، بلکه کلیه اجنه را نیز شامل شده، و بدان هم اکتفا نشده بلکه ملانک آسمان را نیز در بزرگرftه است.»^۱

* * *

سرشناس ترین محقق قرن گذشته در میان پژوهندگان متعددی که بدنیال Caetani و Becker بدین بررسی پرداخته اند، Arnold Toynbee مورخ و مفسر بزرگ قرن بیستم است، که به تذکر او عیسی نیز چون محمد برای

۱ - فتاویٰ الحدیثیه، چاپ قاهره، سال ۱۳۰۷ هجری قمری، ص ۱۱۴.

خود رسالتی جز در مورد قوم خویش (یهود) قائل نبود و جنبه جهان شمولی توسط جانشینان او (ونه خود او) به آیین وی داده شد:
 «تبديل مسیحیت و اسلام به آیین هایی جهانی، یعنی مذاهبی برای اینکه همه مردم و همه اقوام را شامل شوند، کار جانشینان بنیانگذاران آنها بود و نه کار خود این بنیانگذاران، زیرا که هیچکدام از خود آنان چنین برنامه ای را نداشتند. در انجیل های چهارگانه، هیچ جا نشانی از این دیده نمیشود که عیسی خود را جز به دیده یک یهودی تمام عیار نگریسته باشد، و در مقام چنین یهودی، افق دید مذهبی او الزاماً به قوم خودش محدود میشد. در انجیل متی، وی به حواریونی که از جانب او به مأموریت فرستاده میشوند میگوید که از سرزمین های غیر یهودیان عبور نکنند و به هیچیک از شهرهای سامریان نیز وارد نشوند، بلکه فقط نزد گوسفندان راه گم کرده خاندان اسرائیل بروند (متی، باب دهم، ۵ و ۶)، و در انجیل مرقس، این بار با لحنی خشن تر و صریح تر، از زبان وی در پاسخ زنی کنعانی که با استفاده از او تقاضای بیرون کردن دیو را از اندرون دختر مصروف عش داشت، نقل شده است که: من تنها برای گوسفندان گمشده اسرائیل فرستاده شده ام، و درست نیست که نان فرزندان خانواده را بگیرم و پیش سگها بیندازم» (مرقس، باب هفتم، ۲۷-۲۴، و با همین مضمون، متی، باب پانزدهم، ۲۱-۲۴).^۱

افق دید مذهبی محمد نیز مانند عیسی فقط محدوده های قومی عرب را دربر میگرفت. گرایش اعراب در این باره که آنها نیز مانند یهودیان

۱- نخستین «قانون شرعی کلیسا» در سال ۴۹ میلادی (۱۸ سال پس از مرگ عیسی) بوسیله حواریون که در اورشلیم گرد آمده بودند وضع شد، و بدین ترتیب کلیسا برای خود حق قانونگذاری و نقض احکام پیشین را قائل گردید و مسیحیت عملاً از نظام قانونی یهود جدا شد. در توجیه این انشعاب، توماس آکوینوس قدیس معروف قرن سیزدهم مسیحی، با استناد به رساله پائولس مقدس به رومیان (بندهای ۲ تا ۱۴) نظر داد که انسان ها نیز میتوانند در موارد لزوم قانون وضع کنند. هر چند که این حق در اصل از راه افرینش و طبیعت صرفاً از آن خداوند باشد. مراجعة شود به کتاب:

Jean des Graviers : Le droit canonique, PUF, Paris 1967, p. 29

و مسیحیان قومی دارای کتاب باشند گرایشی بیش از هر چیز عرب گرایانه بود و نه جهانی. اینان بحد کافی تحت تأثیر جاذبه فرهنگ امپراتوری های رم و فارس قرار داشتند برای اینکه خود نیز خواستار مذهبی از آن نوع که مردم این امپراتوری ها داشتند باشند، اما در عین حال روحیه استقلال طلبانه سنتی آنان اجازه اینکه چنین مذهبی را عیناً برای خود رونوشت برداری کنند بدانان نمیداد و برای اینکار ضرورت داشت که بدین مذهب رنگ قومی عرب داده شود. از دیدگاه عربهای این دوران مسیحیت مذهب خاص و در اصطلاح امروزی «ملی» رومیان و یهودیت مذهب «ملی» یهودیان بود و بر همین روال تصویری که محمد از خدای «ملی» اعراب به هم قومان خودش ارائه میداد همانند تصویری بود که یهودیان از خدای خودشان داشتند، با این تفاوت که این بار قوم برگزیده این خداوند در میان سلاله ابراهیم از فرزندان عرب پسرش اسماعیل بودند و نه از فرزندان یهودی پسر دیگر او اسحاق.

این خصیصه قومیت گرایی که میتواند در اصطلاح امروزی ناسیونالیسم عربی خوانده شود، پس از سرازیر شدن اعراب به بیرون عربستان و تصرف سرزمین های ساسانی و رومی از جانب آنها، همچنان ویژگی اصلی فاتحان در زمینه ملی عرب باقی ماند، ولی اشکال زیادی از این بابت به وجود نیاورد، زیرا این فاتحان اصراری به مسلمان کردن اتباع غیرعرب خود نداشتند، و آنچه در این راستا مورد توجه خاص آنان بود باج و خراجی بود که مغلوبین میباشد بدین فاتحان بدهند، و اتفاقاً قبول اسلام از جانب اینان نه تنها مقدار این باج و خراج را اضافه نمیکرد، بلکه بالعکس کاهش میداد. بدین ترتیب در نهایت امر اتباع غیرعرب یعنی زرتشتی یا مسیحی جهان اسلام بودند که با حمله متقابل خود شکارگاه اختصاصی اعراب فاتح را بتصرف خویش درآوردند، و آنرا از برتری انحصاری که در دولت اسلامی داشتند محروم کردند، و این بار اینان یک سازمان مذهبی و یک سیستم شریعتی برای این آیین بوجود آورده که برای همیشه به دوپهلوی خاصی که تا آنزمان توسط اسلام

میان دو آرمان ناسازگار قومیت گرایی و جهان نگری حفظ میشد پایان داد. بدین ترتیب بود که ملت‌های غیرعرب که الزاماً به آیین محمد گرویده بودند این آیین را از ابهامی که بنیانگذار آن برایش باقی گذاشته بود رهایی دادند.

با چنین استحالة ای از یک مذهب شدیداً قومیت گرا به یک آیین جهانی، اسلام از یک ذخیره گران فرهنگی که مطلقاً خودش در فراهم آمدن آن دخالتی نداشت به سود بهره برداری کرد، همانطور که مسیحیت کرده بود، و با همان افراد و همان وسائلی که در مورد مسیحیت بکار گرفته شده بود، کسانی که در این هر دو مورد به اسلام نیز مانند مسیحیت امکان دستیابی به ابعاد گسترده معنوی و فرهنگی دادند آسیابی های جنوب باختی یعنی وارثان یک ترکیب فرهنگی سریانی و یونانی و ایرانی بودند، که استقلال پیشین خود را از دست داده بودند ولی باروری فرهنگی خود را از دست نداده بودند، بالعکس، با حل شدن در یک مجتمع واحد فرهنگی قدرت باروری بیشتری یافته بودند. بدون اینان، به احتمال بسیار مسیحیت بصورت یک فرقه گمنام یهودی باقی مانده بود و اسلام نیز از حد یک رونوشت عربی سیستم یهودی - مسیحی فراتر نرفته بود»^۱.

هشداری که علی در باره قرآن داد

ولی این قرآنی که میباشد ابزار مشروعیت جهانگشایی عربی با بخشیدن عنوان «اسلامی» بدان قرار گیرد، چنانکه میدانیم خودش مجموعه آیاتی یکدست نبود که بتوان به آسانی بر همه آن ها انگشت گذاشت. و نه تنها مجموعه آیاتی هماهنگ نبود، بلکه در بسیار موارد درست عکس مجموعه آیاتی بود که در موارد متعدد با یکدیگر متفاوت و گاه بکلی

۱ A Study on History در Arnold Toynbee - ۱۹۷۲، اکسفورد

متناقض مینمودند. البته در طول قرون بعدی، مفسران و فقهای جهان اسلام پیوسته در نادیده گرفتن دوگانگی های آیات مکنی و آیات مدنی قرآن و توجیه آنها در هر دو صورت، هر قدر هم غیرمنطقی و نابذیرفتی، کوشیدند، ولی خود بلندپایگان دستگاه خلافت در دوراهه تصمیم گیری سالهای دوازدهم و سیزدهم هجری بر وجود این تناقض ها در قرآن بخوبی آگاهی داشتند، زیرا در طول سالها از تزدیک در جریان تدریجی نزول آیات بودند و حتی برخی از آنان خود در زمرة کاتبان قرآن قرار داشتند. بهترین گواه را در مورد این آگاهی، در دستورالعملی میتوان یافت که علی بن ابیطالب، پسر عم و داماد پیامبر، چهارمین خلیفه از خلفای راشدین و اولین امام از ائمه شیعیان، در زمان خلافت خود به ابن عباس نماینده اعزامی خویش برای مذاکره با زعمای فرقه «خوارج» و کوشش در یافتن راه حلی مرضی الطرفین بدود داده بود و غین آن در نهج البلاغه آمده است، که برگردان فارسی آن از روی ترجمه فیض الاسلام از «نهج البلاغه» چنین است: «... و با ایشان با استناد به قرآن مناظره مکن، زیرا که قرآن دویله است و احتمالات و توجیهات بسیار دربر دارد؛ یکی از آنها را تو میگویی و یکی دیگر را آنان میگویند. در عوض با آنها با سنت (حدیث) احتجاج کن، زیرا در اینصورت دستت باز است و آنان گریزگاهی نخواهند یافت».^۱

واقعیتی را که علی درین باره میدانست، مسلمًا ابابکر و عمر نیز میدانستند. معنی این سخن این است که هم ابابکر و هم عمر، در دوراهه انتخاب سرنوشت سازی که همه آینده اسلام بدان مربوط میشد، میدانستند که اگر در یک چهارم از قرآن به دلایلی که پی ریزی یک حکومت اسلامی آنرا ایجاد میکرده است طبل جنگ زده شده و بموجب حدیثی که به گفته گلدتسبیهر بعدها از زبان پیامبر ساخته و پرداخته شد بهشت در زیر سایه

1 - نهج البلاغه، جزو پنجم، خطابه هفتاد و هفتم. در همین زمینه تحقیق جالبی از H. Grimme با عنوان «دویله‌ئی قرآن» در کتاب Einleitung in den Koran. System der Koranischen Theologie، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۱۷ و نیز مقاله‌ای تحقیقی از همین مؤلف و در همین زمینه در «سالنامه پروس» سال ۱۹۱۷، ص ۴۲-۵۴ میتوان یافت.

شمیرها جای داده شده است، در سه چهارم دیگر از آیات همین قرآن راه بهشت از مسیری میگذرد که راه صلح و شکیبایی است، و بانگی که در آن شنیده میشود شیپور قتال نیست، بلکه «لَا كَرَاهَةٌ فِي الدِّينِ» است. این را تیز بیگمان میدانستند که با استقرار نهایی خلافت اسلامی در عربستان، دوران آیات قتال منطبقاً به پایان رسیده است، کما اینکه از بعد از فتح مکه، دیگر هیچ آیه تازه ای درباره قتال ابلاغ نشد. آنچه در دوران بعد از تشکیل حکومت اسلامی در عربستان وظیفه واقعی جانشینان محمد بود: ماجراجویی در بیرون عربستان نبود، تحکیم و سازماندهی نظام تازه ای بود که محمد در خود این سرزمین برقرار کرده بود، بدانصورتی که زیربنای ایدئولوژیک آن در ۸۶ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن مشخص شده بود، یعنی بصورت یک مذهب و نه به صورت یک *Mein Kampf* اسلامی. و با وجود این راهی که در این دو دوراهه سرنوشت ساز از جانب ابوبکر و عمر برگزیده شد درست همین راه *Mein Kampf* اسلامی بود، با همه پیامدهای ۱۴۰۰ ساله اش، با همه خونریزیها و فاجعه انگیزیهاش، و با احتطاط دردناسی که این «اسلام چماقدار» با گذشت زمان برای همه جهان اسلام بهمراه آورد.

فقیهانی غالباً ناشی، با توجه به دوگانگی انکارناپذیر بسیاری از آیات مکی و آیات مدنی قرآن، در توجیه اینکه چرا در مرحله انتخاب کارگردانان خلافت راه آیات قتال مدنی را برگزیدند و نه راه آیات صلحجویانه مکنی را اظهار نظر کرده اند که در چنین مورد میباید به راه آیاتی رفت که دیرتر ابلاغ شده اند. ولی خیلی زود بدانها گفته شد که چنین توجیهی آشکارا با آنچه در این باره در خود قرآن آمده تناقض دارد، زیرا در قرآن به کرات مورد تأیید قرار گرفته است که: «میان هیچیک از بخش‌های این کتاب کم و کاستی وجود ندارد، زیرا که سراسر آن فرستاده خدایی دانا و سزاوار ستایش است» (فصلت، ۴۲). «بدانان بگو که جملگی این آیات را روح القدس از جانب پروردگار من با حقیقتی یکسان نازل کرده است» (تحل، ۱۰۲). «همه آیات قرآن برای تذکر خلقند تا هر که خواهد از آنها پند گیرد» (عبس، ۱۱). «ستایش خدایی را که این قرآن را بر بنده خویش فرستاد و در هیچ جای آن کزی و ناکاستی ننهاد»

(کهف، ۱؛ زمر، ۲۸). «این سوره (نور) را فرستادیم... و در آن آیاتی روشن جای دادیم تا برای شما یادآور حقایق باشند» (نور، ۱). «آنها که خرد دارند میگویند باور داریم که همه آیات قرآن از جانب خدای ما است» (آل عمران، ۷). برایین امر، از جانب غالب علمای تسنن و تشیع نیز در همه ادوار تاریخ اسلام صحه گذاشته شده است که از آنجمله میتوان این فتوای معروف شیخ مفید را (که به روایت جمعی از مورخان، شخص امام زمان سه نامه بدو فرستاده و حتی مرثیه ای در مرگ او سروده است) نقل کرد که «آنچه میان دو ورق اول و آخر قرآن است جملگی سخن خدای تعالی و نازل شده از جانب او است، و هیچ چیز از سخن آدمی در آن نیست». تأکیدی به همین صورت در اعتقادات شیخ صدوق و تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی و در موطای مالک ابن انس میتوان یافت.

نحوه عملی که برای تحصیل مشروعت مذهبی بدانچه «جهاد» اسلامی نام داده شد در پیش گرفته شد این بود که نخست کلیه بخش مکن قرآن، یعنی ۸۶ سوره از سوره های ۱۱۴ گانه آن، شامل ۴۶۱۷ آیه از ۶۲۳۶ آیه ای که جماعت کلیه سوره های قرآن و کلیه آیه های آنرا تشکیل میدادند از جانب آنان کنار گذاشته شده و نادیده گرفته شد، بدین دلیل ساده که در هیچکدام از آنها از غنیمت و از قتال مورد علاقه دستگاه خلافت سخنی به میان نیامده بود. در مقابل منحصراً سوره ها و آیه های بخش مدنی قرآن ملاک گزینش قرار گرفتند که هر چند این بار فقط ۲۸ سوره از ۱۱۴ سوره این کتاب و ۱۶۱۳ آیه از آیات ۶۲۳۶ گانه آنرا شامل میشدند، در عوض این امتیاز را داشتند که به اندازه کافی در آنها صحبت از قتال و غنیمت شده بود، و در هر دو مورد نیز دستورهای روشنی داده شده بود.

با اینهمه این بار نیز کار بدان آسانی که انتظار میرفت نبود، زیرا آیاتی که برای این منظور میتوانستند مورد استناد قرار گیرند هیچکدام بصورت آیه هایی مستقل مطرح نشده بودند، بلکه عموماً بصورت جزیی از مجموعه آیاتی آمده بودند که کاملاً بهم مرتبط بودند، و بخشی از آنها مبتدا و بخشی

دیگر خبر این مجموعه بشمار میرفتند، و آیه مورد نظر فقط در صورتی مفهوم واقعی خویش را از ائمه میکرد که همراه با این مبتدا و خبر قرائت شود. ولی در این مورد درست برعکس به گزینشی انتخابی اقدام شد، بدین ترتیب که آیه های مشخصی که میتوانستند برای تأمین این منظور مورد استناد قرار گیرند، از مجموع کلی و یکپارچه آیات دیگری که مبتدا و خبر الزامی آنها بودند بیرون کشیده شدند و به صورت آیاتی مستقل ملاک عمل شناخته شدند، تا جنبه ارتباط آنها با شرایط زمانی و مکانی معین ناشناخته بمانند.

برای هر قومی پیامبری

در زمانی که آیین اسلام پا به صحنه تاریخ گذاشت، در تمامی منطقه جغرافیائی که آیینهای بزرگ توحیدی از آن برخاسته‌اند تنها شبه‌جزیره عربستان بود که مردم آن در شرک سنتی خویش یعنی در دوران بت‌پرستی باقی مانده بودند. این شبه‌جزیره در آنزمان مجتمعی از قبایل غالباً صحرانشین عرب بود که به تصریح خود قرآن اصولاً پیامبری تا بدن هنگام برای دعوت آنان به یکتاپرستی به سویشان فرستاده نشده بود: «... و ما پیش از تو هیچ رسولی و کتابی را به سوی این قوم نفرستاده بودیم» (سba، ۴۴)، «... ترا فرستادیم تا قومی را که هشدار دهنده‌ای به سویش فرستاده نشده بود هشدار دهی» (قصص، ۴۶).

در یکی از روزهای سال ۶۱۱ میسیحی (احتمالاً در ۲۷ ماه رجب آن سال) این رسالت به یکی از افراد خاندان بنی هاشم از قبیله قدرتمند قریش واگذار شد: «... ما این قرآن عربی را بر تو فرستادیم تا مردم ام القری (مکه) و پیرامون آنرا هشدار دهی» (انعام، ۹۲؛ سوری، ۷). از این هنگام دعوت پیامبرانه محمد شروع شد، و این دعوت مدت ۲۳ سال یعنی تا هنگام ایجاد خطابه معروف حجۃ الوداع او در آخرین روزهای زندگانیش ادامه یافت.

قانون شناخته شده تاریخ از آغاز این بوده است که هر متفکر و صاحب‌نظری که پیامی نو آورده باشد، خواه این پیام فلسفی باشد، خواه اجتماعی یا علمی یا سیاسی و طبعاً خواه مذهبی، کار خود را با ابلاغ ضوابط و مشخصات این پیام به مردمان آغاز می‌کند، و این دقیقاً کاری است که توسط محمد نیز انجام گرفت و در همه دوران ۱۳ ساله اقامت او در مکه بصورتی پیگیر و بویژه بصورتی روشن و بی‌هیچگونه ابهام ادامه یافت. بدین روشی بارها در خود قرآن تأکید گذاشته شده است (انعام، ۵۹؛ یونس، ۶۱؛ سba، ۳۰؛ یوسف، ۱، ۲، ۶؛ یس، ۶۹؛ نحل، ۱؛ قصص، ۳؛ نمل، ۷۵؛ حجر، ۱؛ زخرف، ۲؛ مریم، ۹۷؛ قمر، ۱۷، ۳۲، ۴۰؛ دخان، ۲). در آیه‌های دیگر رسالت پیامبر اصولاً بлаг المبین (ابلاغ آشکار) اعلام شده است (مائده، ۹۲؛ نحل،

۲۵ و ۸۲): یس، ۱۷؛ نور، ۵۴؛ عنكبوت، ۱۸؛ تغابن، ۲۱). همه آیه‌هایی که در این دوزان ۱۲ ساله توسط محمد ابلاغ شده‌اند - وزیری‌نای ایدنولژیک آیین اسلام را تشکیل میدهند - در بخشی از قرآن جای دارند که بخش مکنی آن نامیده میشود، و این بخش مکنی نه تنها از نظر کیفیت، بلکه از لحاظ کمیت نیز مهمترین بخش قرآن را تشکیل میدهد، زیرا ۸۶ سوره از مجموع ۱۱۴ سوره قرآن و ۴۶۱۷ آیه از مجموع ۶۲۳۶ آیه آن (یعنی در هر دو صوره بیش از سه چهارم کتاب) بدان اختصاص یافته‌اند.

در تمامی قرآن‌های چاپی که در حال حاضر در دست مسلمانان وجود دارد - و از زمان خلیفه عثمان تنها متن رسمی قرآن شناخته میشود - این سوره‌های ۸۶ گانه با قید سوره‌های مکنی در سرلوحة هر کدام مشخص شده‌اند. بدین ترتیب هر زن و مرد مسلمانی که سواد خواندن متن عربی میتواند این سوره‌های هشتاد و ششگانه مکنی را که در حال حاضر بطور پراکنده در جایجای قرآن جای گرفته‌اند با دقتی بیشتر از معمول بخواند تا بدین واقعیت غالباً ناشناخته پی ببرد که در سرتاسر این بخش اصلی قرآن نه یکبار صحبتی از شمشیرکشی به میان آمده است، نه یکبار نامی از جهاد مقدس بروده شده است، نه یکبار اشاره‌ای به غنیمت ستانی صورت گرفته است. و نه فقط سخنی از هیچکدام از اینها به میان نیامده، بلکه بارها و بارها، درست در جهت عکس، در ارتباط با دعوت پیامبرانه محمد و نحوه ابلاغ رسالت او رهنمودهایی از این قبیل به وی داده شده است که: «در ابلاغ رسالت با بهترین صورت ممکن با همگان به تبادل نظر و موظعه پرداز» (نحل، ۱۲۵)؛ «بدانان بگو: من از جانب خداوند مأمور شده‌ام که شما را به بینش بخوانم. آنکس که به بصیرت روی آورد به رستگاری خود کمک کرده است، و آن کس نیز که نایینا بماند به زیان خودش کور مانده است، زیرا که من پیامبر شمایم، ولی فرمانروای شما نیستم» (انعام، ۱۰۴)؛ «بدانان بگو که دین حق از جانب پروردگار بر شما آمده است، هر که خواهد بدان ایمان

آورد و هر که خواهد کافر بیماند» (کهف، ۲۹)؛ «ما ترا بر قومت به رسالت فرستاده‌ایم و نه بر حاکمیت» (اسراء، ۵۴)؛ «... و چون ترا تکذیب کنند بدانان بگو که من پاسخگوی اعمال خودم هستم و شما پاسخگوی اعمال خودتان. شما آنچه را که من میکنم منکرید، و من نیز خود را مسئول آنچه شما میکنید نمیدانم. این خداوند نیست که به مردمان ستم میکند، بلکه خود آنانند که به خویش ستم میکنند» (یونس، ۴۱)؛ «أَرَى، مَا ترَا تَنْهَا بِهِ عَنْوَانَ مُرْدَهٍ آَوْرَ وَ هَشَدَارَ دَهْنَدَهِ فَرْسَتَادَهَا يَمِّ» (زخرف، ۸). در ۲۳ مورد دیگر همین مضمون به صورتهای مختلف تکرار شده است (انعام، ۴۸، ۷۰، ۷، ۴۸، ۱۰۷، ۱۰۵؛ اسراء، ۱۰۵؛ کهف، ۵۶؛ انبیاء، ۱۰۷؛ نور، ۵۴ و ۹۲؛ عنکبوت، ۱۸، ۴۶؛ سبا، ۲۸؛ فاطر، ۲۴؛ ص، ۵۵؛ شوری، ۱۵؛ زخرف، ۱۹؛ جن، ۲۳؛ غاشیه، ۲۱ و ۲۲؛ کافرون، ۱ تا ۶).

به موازات این آیات، در جایجای همین سوره‌های مکی بیش از ۱۵۰ بار به صورتهای مختلف بر بخشندگی، مهروزی، توبه‌پذیری، نیکخواهی و پاداش‌دهی خداوند تأکید نهاده شده است، افزون بر دو صفت رحمن و رحیم که در آغاز همه سوره‌های قرآن (به استثنای یکی از آنها) تکرار شده‌اند، چون نقل همه این آیه‌ها مقدور نیست، به نقل فهرست سوره‌ها و آیه‌های مربوطه بدان در زیرنویس همین صفحه اکتفا می‌کنم^۱.

- ۱- اندعام، آیه‌های ۱۲، ۱۶، ۱۴۵، ۱۳۳، ۵۴، ۱۴۷، ۱۶۵؛ اعتراف، آیه‌های ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۰۵، ۱۰۵۵، ۱۰۷؛ یونس، آیه ۱۰۷؛ هود، آیه‌های ۱۱، ۴۱، ۹۰، ۴۳؛ یوسف، آیه‌های ۵۳، ۱۱۰، ۹۸، ۹۲، ۵۴؛ ابراهیم، آیه ۳۶؛ حجر، آیه ۴۹؛ نحل، آیه‌های ۱۸، ۷، ۴۷، ۱۱۰، ۵۶، ۵۴، ۴۴، ۲۲؛ کهف، آیه ۵؛ مریم، آیه‌های ۲۶، ۱۸، ۱۱۹؛ اسراء، آیه‌های ۱۱۹؛ طه، آیه‌های ۵، ۴۲، ۹۶؛ یحیی، آیه‌های ۵۸، ۴۵؛ زکریا، آیه‌های ۱۲۲، ۱۰۹، ۱۰۸، ۹۰؛ مومسون، آیه‌های ۱۰۹ و ۱۱۸؛ فرقان، آیه‌های ۵، ۲۶، ۵۹، ۴۷؛ شعراء، آیه‌های ۵، ۵۹، ۴۰؛ نمل، آیه‌های ۱۱، ۲۰، ۲۷، ۷۳؛ قصص، آیه ۱۶؛ عنکبوت، آیه‌های ۷ و ۲۱؛ روم، آیه ۵؛ سعده، آیه ۶؛ سبا، آیه‌های ۱۵، ۴، ۲؛ فاطر، آیه‌های ۲، ۲۸، ۳۰، ۳۴؛ ۴۱، ۳۴؛ یس، آیه‌های ۱۵، ۱۱، ۵، ۱۵۸، ۵۲، ۲۷، ۲۳؛ ۵۶؛ زمر، آیه‌های ۵، ۳۵، ۳۸، ۳۵؛ ۵۳، ۵۹؛ مؤمن، آیه‌های ۳، ۷؛ فصلت، آیه‌های ۲، ۲۲؛ ۴۲، ۴۳؛ شوری، آیه‌های ۵، ۲۳، ۲۰، ۲۸، ۲۵؛ خرف، آیه‌های ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۴۵، ۳۶، ۳۳، ۳۲؛ دخان، آیه‌های ۶ و

موضوع اصلی دیگری که در سرتاسر قرآن دوران مکه بر آن باقاطعیت تأکید نهاده شده است - هرچند که با کوشش بیگیر و دسته جمعی ۱۴۰۰ ساله در تفسیر و تعبیر حساب شده و جانبگرانه برخی از آیه‌های دوران مدنی همین قرآن، قبول چنین واقعیتی برای تقریباً همه مسلمانان کنونی جهان دشوار بنظر میرسد - این اصل است که با توجه به شرایط خاص قومی و اقلیمی و اجتماعی اقوام و ملل مختلف جهان، از جانب خداوند برای هدایت هر یک از آنها بسوی یکتاپرستی رسولی خاص از میان همان قوم به سویشان فرستاده می‌شود تا به زبان مردم آن قوم با آنان سخن گوید، و در مواردی کتابی نیز باز هم به زبان همان قوم برای آن رسول می‌فرستد تا مردم قوم امکان فهمیدنش را داشته باشند: «هیچ پیامبری را بر قومی فرستادیم مگر اینکه به زبان همان قوم سخن گوید تا بتواند به روشنی با آنان گفتگو کند» (ابراهیم، ۴)؛ «برای هر قومی پیامبری فرستادیم» (یونس، ۴۷)؛ «پیش از تو نیز رسولانی به نزد اقوام مختلف فرستاده‌ایم» (نحل، ۱۶)؛ «هر قومی را راهنمایی است» (رعد، ۷)؛ «و همانا که برای هر امتی پیامبری فرستادیم تا بدانان بگویند که خدای یکتا را بپرستند و از طاغوت دوری گریزنند» (نحل، ۳۵ و ۳۶)؛ «و رسولانی را به سوی اقوامی مختلف فرستادیم تا آنرا بشارت بخشند و هشدار دهند» (کهف، ۵۶)؛ «و پیش از تو رسولانی را به اقوام گذشته فرستادیم» (حجر، ۱۰)؛ «هیچ قومی نبوده است که برایش هشدار دهنده و هدایت کننده‌ای از جانب ما فرستاده نشده باشد» (فاطر، ۲۴).

تذکر این واقعیت بیمورد نیست که این برداشت انحصار به اسلام و قرآن ندارد، بلکه در کتابهای تورات (سفر تثنیه، باب هجدهم، ۱۸) و انجیل (اعمال رسولان، باب سوم، ۲۲ و باب هفتم، ۷) نیز مورد تذکر قرار گرفته

(بقیه از صفحه پیش) ۴۲؛ جاثیه، آیه ۲۰؛ احلاف، آیه‌های ۱ و ۱۰؛ ق، آیه ۲۲؛ طور، آیه ۲۸؛ نجم، آیه ۳۲؛ الملک، آیه‌های ۲، ۳، ۱۹، ۲۰، ۲۹؛ قلم، آیه ۲۰؛ نوح، آیه‌های ۴ و ۱۰؛ مزمول، آیه ۲۰؛ مدثر، آیه ۵۶؛ بناء، آیه‌های ۳۷ و ۳۸؛ بروج، آیه ۱۴.

است، منتها قاطعترین و روشن‌ترین تأکیدها را در این مورد در قرآن میتوان یافت، چنانکه در این راستا حتی جنیان و فرشتگان نیز از این قانون کلی مستثنی نشده‌اند: «ای گروه جن، آیا برای هدایت شما رسولانی را از جنس خودتان به سویتان نفرستادیم که آیات ما را برایتان بخوانند؟» (انعام، ۱۳۰)، «اگر فرشتگان را هم در روی زمین قرار گاهی میبود، برای آنان نیز فرشته‌ای را از آسمان به رسالت میفرستادیم» (اسراء، ۹۵)؛ «خداؤند رسولان خویش را از میان فرشتگان و آدمیان برミگزیند» (حج، ۷۵).

آیات متعدد دیگری به توضیحات دقیق‌تر درباره پیمبرانی که پیش از محمد به سوی اقوام مختلف فرستاده شده‌اند اختصاص یافته‌اند: نوح و قوم او (نوح، ۱؛ اعراف، ۵۹؛ هود، ۲۵؛ مؤمنون، ۳۱؛ عنکبوت، ۱۴؛ قمر، ۹)؛ هود و قوم عاد (هود، ۵۰؛ اعراف، ۵؛ شуرا، ۱۲۳؛ احقاف، ۲۱ و ۲۲)؛ صالح و قوم ثمود (نمک، ۴۵؛ هود، ۶۱؛ اعراف، ۷۳؛ قمر، ۲۳)؛ شعیب و قوم مدین یا اصحاب الایکه (шуرا، ۱۷۶ و ۱۷۷؛ هود، ۸۴؛ هود، ۹۵)؛ لوط و قوم سدوم (اعراف، ۸؛ شуرا، ۱۶؛ قمر، ۳۳)؛ موسی و قوم اسرائیل (بقره، ۴؛ ابراهیم، ۵۵، ۵۶؛ مائدہ، ۲۰، ۲۱، ۲۲؛ اعراف، ۱۴۵ و ۱۴۸؛ هود، ۹۶؛ ابراهیم، ۵؛ شуرا، ۱؛ مؤمن، ۵۳ و ۵۴؛ صafat، ۵؛ صفات، ۱۱۴)؛ عیسی و قوم اسرائیل (صف، ۶)؛ ابراهیم و قوم او (ابراهیم، ۳۶؛ عنکبوت، ۱۶)؛ الیاس و قوم او (صفات، ۱۲۳)؛ پیامبر فرشتاده شده به سوی اصحاب الرس (ق، ۱۲ و ۳۸)؛ اصحاب الرقیم (کهف، ۹)؛ اصحاب السبت (بقره، ۴۵؛ نساء، ۴۷ و ۱۵۴؛ اعراف، ۱۶۳؛ تحلیل، ۱۲۴)؛ قوم التبع (ق، ۱۴؛ دخان، ۳۷)؛ اصحاب الاخدود (مروج، ۴).

بر پایه چنین سابقه‌ای است که آیه‌های متعددی از قرآن به رسالت خاص محمد به سوی قوم عرب اختصاص یافته‌اند.

در آیه‌ای از سوره فصلت آشکارا بر آزادی اجرای مقررات هر مذهبی از جانب قومی که بدان گرویده‌اند تأکید گذاشته شده است: «برای هر قومی طریقتی و شریعتی جداگانه مقرر داشتیم تا اعضاء آن طریقت آنرا رعایت کنند و با تو بر سر اجرای آن به مجادله برخیزند» (حج، ۳۴ و ۶۷).

بهمان اندازه که در قرآن مکنی بررسالت خاص محمد برای هدایت قوم مشرک عرب به یکتاپرستی تأکید گذاشته شده، بر این نیز که قرآن کتابی است که اصالاً برای قوم عرب فرستاده شده است، در آیه‌هایی متعدد تأکید نهاده شده است: «این قرآن را به زبان خود تو نازل کردیم تادرک آن برای گویندگان این زبان آسان باشد» (دخان، ۵۸)؛ «قرآن را به زبان خود تو فرستادیم تا با آن پرهیز کاران را بشارت بخشی و قومی لجوج و سرسرخت را بیم دهی» (مریم، ۹۷)؛ «این قرآنی است عربی، با آیاتی روش، برای هدایت گروهی که از بینش برخوردار باشند» (فصلت، ۳)؛ «این کتاب قرآنی است عربی، دور از هر کژی و کاستی، که در آن امثال بسیار آورده شده است، باشد که در باره آن‌ها بهتر بیندیشید» (زمیر، ۲۸)؛ «قرآن را به زبان عربی فرستادیم، باشد که در باره آن بهتر تعقل کنید» (یوسف، ۳)؛ «قرآن را به زبان خود تو فرستادیم که در برگیرنده هشدارهایی است تا شاید کسان را به پرهیز کاری بخواند یا یادآورشان در این باره باشد» (طه، ۱۱۳)؛ «سوگند به کتاب مبین که این قرآن را به زبان عربی آوردمیم تا شاید شما را به بینش و خرد بخواند» (زخرف، ۳)؛ «ما این کتاب خرد را به عربی وحی کردیم» (رعد، ۳۷)؛ «اگر ما این کتاب را بر بعضی از مردم غیرعرب نازل میکردیم و بر آنان خوانده میشد ایمان نمیاوردند (زیرا که معنی آنرا نمیفهمیدند)» (شعرا، ۱۹۸)؛ «این قرآن کتابی است به زبان عربی، با هدف هشدار دادن به ستمگران و مؤذه بخشیدن به آنانکه به راه نکوکاری میروند» (احقاف، ۱۲)؛ «این کتابی است مبارک که ما به سوی شما فرستاده‌ایم تا از آن پیروی کنید و دیگر نگویید که اگر بر ما (اعراب) نیز کتابی فرستاده شده بود به راه رستگاری رفته بودیم. اینک پروردگار شما نشان روشنی از رحمت و هدایت خود را به سویتان فرستاده است. و کیست گنهکارتر از آنکس که این آیات خدا را تکذیب کند؟» (انعام، ۱۵۵-۱۵۷).

این قرآنی که اصالاً برای قوم عرب فرستاده شده است، شامل قوانین و مقررات متعددی است که آنها نیز صرفاً به خود قوم عرب در مسیر تحول از عصر جاهلیت به دوران اسلامی مربوط میشوند و نمیتوانند قوانینی ابدی

آنهم برای همه مردم جهان بشمار آیند. پژوهشگران متعددی در یکصد ساله گذشته بر این نوع مقررات انگشت نهاده‌اند که طبعاً فرصت نقل همه آنها در اینجا نیست، ولی میتوان دهها مورد از این قبیل را در این بررسیها یافت که دو سه آیه زیر نمونه‌های از آنها است:

در آیه ۱۰۳ از سوره مائدہ آمده است که: «خداوند هیچ مقرراتی را برای بحیره و سائبه و وصیله و حام وضع نفرموده است»، و کافران در این باره به دروغ بر خدا افترا می‌بنندنده. این هر چهار اصطلاح نامهای عربی شتران یا گوسفندانی هستند که اعراب دوران جاهلیت نذر خدایان خود میکردند و بدین جهت کشتن آنها مجاز نبود و میتوانستند آزادانه در هر جا که بخواهند چرا کنند. بحیره شتر ماده‌ای بود که به سنت عربی گوشش را چاک میدادند تا نمایانگر وقف او برای قربانی باشد. سائبه شتر ماده دیگری بود که نمیباشد هیچ نوع بارکشی از او خواسته شود. وصیله شتر یا گوسفند ماده‌ای بود که نه فرزند نر یا ماده در طول زمان زائیده بود، و حام شتر نری بود که تنها برای باردار کردن شتران ماده بکار گرفته میشد. چنین سنتی اصولاً در هیچ سرزمین دیگر جهان وجود نداشت تا نیاز به وضع قانونی در باره آن باشد.

در آیه‌های ۲ و ۹۰ از همین سوره مائدہ اشاره به تیرهای فالکیری شده است که میباید از آن خودداری شود. این اشاره مربوط به یک سنت کهن عربستان است که بمنظور تقالی بر روی چند تیر مینوشند لات یا عزی (بیت‌های بزرگ عهد جاهلیت) یا بیت‌های دیگر چنین امر میکنند یا چنین نهی میکنند. سپس تیرها را بهم میریختند و یکی از آنها را بیرون می‌آورند تا بر اساس محتوای آن عمل کنند. این رسم که در کتاب حزقيال عهد عتیق نیز بدان اشاره شده است در زمان ظهور اسلام فقط در عربستان وجود داشت و نه در هیچ جای دیگر. در آیه ۴ از سوره فلق نیز در اشاره به سنت عربی دیگری از همین قبیل آمده است که «پناه میبرم به خدا از زنان جادوگری که در گره‌ها میدمند»، و این نیز سنتی خاص عربستان بوده است.

در یک ارزیابی واقع‌بینانه از آیه‌های «قتال» قرآن، می‌باید این نکته مورد توجه قرار گیرد که همه این آیه‌ها در ارتباط با «غزوات» دوران مدینه، یعنی در سوره زد و خوردهای قبله‌ای و سنتی معمول عربستان عصر جاهلیت ابلاغ شده‌اند که از حیث زمانی و مکانی ابعادی بسیار محدود دارند، چنانکه بر مبنای ارقامی که از جانب قدیمی‌ترین سیره‌نویسان زندگانی محمد پخصوص مغایر ابن سعد ارائه شده و بعد از آن نیز در دیگر تواریخ اسلامی مورد نقل قرار گرفته است شمار مجموع تلفات غزوات ۶۵ گانه دوران ده ساله مدینه چه از جانب مسلمانان و چه از جانب دشمنان آنها حتی به یکهزار نفر هم نرسیده است و در هیچ شرایطی نمیتوان آنها را با آن جنگهای واقعی که شمشیر کشان بعد از محمد برآه انداختند - و تنها یکی از آنها یعنی جنگ جلواء را که به تصرف و غارت تیسفون از جانب اعراب انجامید و آنقدر کشته به بار آورد که سراسر دشت از اجساد قربانیان پوشیده شد و به همین مناسبت این جنگ جلواء (پوشیده) نام گرفت - برابر نهاد.

نکته دوم اینکه همگی این آیات مرتبط به غزواتی هستند که در دوران خود محمد و عمدتاً با حضور شخصی او صورت گرفته‌اند و جز با سوء‌نیتی آشکار نمیتوان از آنها اجازه‌نامه‌ای برای جنگهای بسیار بزرگتری ساخت که در سالهای بعد از پیامبر در بیرون از عربستان انجام گرفت.

نکته سومین که آن نیز به اندازه هر دو نکته دیگر اهمیت دارد این است که در هیچیک از آیات «قتال» دوران مدینه، این قتال جنبه تجاوز کارانه ندارد، بلکه تقریباً در همه آنها به مسلمانان گفته می‌شود که اگر دشمن پیمان‌شکنی کند و به مخاصمه برخیزد، در آنصورت آنان نیز با او به مقابله برخیزند: «در راه خدا با آنهایی که با شما به کارزار بر می‌خیزند کارزار کنید، ولی خودتان آغازگر مخاصمه نباشید، زیرا خداوند متجلوزان را دوست نمیدارد» (بقره، ۱۹۰)، «اگر با شما به مخاصمه برخیزند یا از در صلح در آیند، خداوند به شما اجازه مقابله با آنها نمیدهد» (نساء، ۹۰)، «... و اگر دست از مقاتله برداشتند، شما نیز از آن دست بردارید، زیرا ستم جز با ستمکاران نمی‌باید کرد» (بقره، ۱۹۳).

البته در قرآن آمده است که برترین دین نزد خداوند اسلام است، ولی در هیچ جای آن گفته نشده است که این دین برتر میباید از راه شمشیر بر دیگران تحمیل شود. مشخص نیست که در صورتیکه محمد زنده میماند برنامه حکومتی او در سالهای بعد از حجۃ الوداع چه میبود، ولی با توجه به روش ۲۳ ساله دوران پیامبری وی، مسلماً تلاش او به تحکیم ضوابط اسلامی بویژه در جهت گرایش توحیدی و دوری از شرک و بازسازی عمقی این جامعه مربوط میشد. به احتمال بسیار صدور آیین توبه دیگر سرزمنهای نزدیک و دور نیز نادیده گرفته نمیشد، ولی هیچ دلیلی وجود ندارد که گفته شود برای اینکار راه شمشیر در نظر گرفته میشد و نه راه تبلیغ و موعظه‌ای که خود محمد از آغاز برای دعوت مذهبی خویش در پیش گرفته بود.